

پاسخ مثبت ده ها حزب کارگری و کمونیستی جهان به فراخوان حزب توده ایران بر ضد جنگ!



امضا شده است، از مضمون اصلی بیانییه مهم "کمیته مرکزی حزب توده ایران" که نسبت به خطر حمله تجاوزگرانه اسرائیل به ایران و سکوت تأیید آمیز ایالات متحده و اتحادیه اروپا هشدار داده است، حمایت می کند.

"بیانییه" با اهمیت حزب های "کمونیست" جهان، از "مبارزه طبقه کارگر ایران و حزب آن، حزب توده

ادامه در صفحه ۲

هم زمان با سی و دومین سالگرد آغاز جنگ فاجعه بار هشت ساله ایران و عراق - از زمینه های اصلی ای که شرایط هجوم به دستاوردهای انقلاب بهمن ۱۳۵۷ و به شکست کشاندن آن را فراهم کرد- بیش از شصت حزب "کمونیست و کارگری" از پنج قاره جهان، با انتشار بیانییه یی مشترک، تهدیدهای نظامی اسرائیل برضد میهن مان را محکوم کردند. این بیانییه مشترک، که از سوی عالی ترین ارگان های حزب های برادر



شماره ۹۰۴، ۳ مهرماه ۱۳۹۱
دوره هفتم، سال بیست و هفتم

"ولی فقیه" در راه طالبانیزه کردن عرصه های مختلف زندگی زنان!

دولت احمدی نژاد، سرانجام، و با پشتیبانی "ولی فقیه"، علی خامنه ای، پس از سه سال تلاش در جهت هرچه بیشتر خانه نشین کردن زنان شاغل و فعال میهن مان، هفته گذشته یکی از ارتجاعی ترین و زن ستیزانه ترین طرح های خود را برای تصویب به مجلس ارائه کرد.

رژیم "ولایت فقیه" از همان سال های اول انقلاب، تلاش کرده است تا با اجرای "قوانین اسلامی"، محدودیت های فزاینده ای را برای زنان به وجود آورد. این رژیم در چند سال گذشته روند فشار خود برضد زنان را سرعت بخشیده است، و روحانیون حاکم بر کشورمان، با تحمیل چنین قوانین واپس مانده و ارتجاعی ای، به طالبانیزه کردن کشور پرداخته اند. بر اساس این قوانین، زن ها موظف به انجام "وظایف شرعی"، خانه داری، بچه داری، و تبعیت (و تمکین) از دستورهای مردانند.

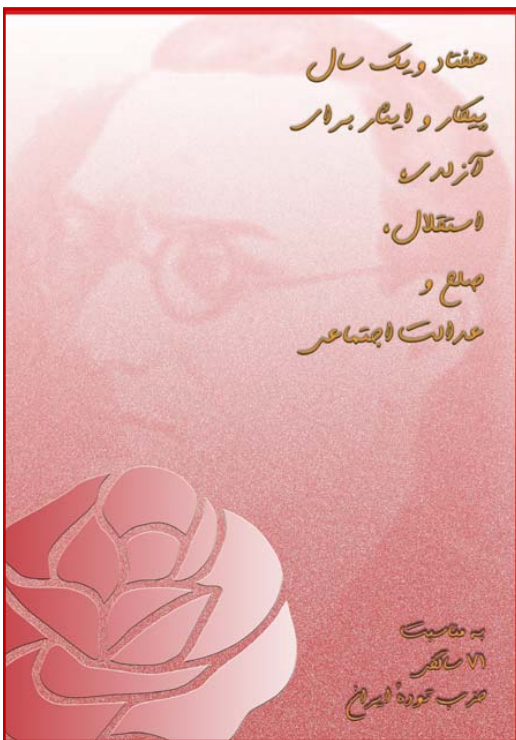
عبدالعلی تاجی، معاون حقوقی معاونت توسعه مدیریت و منابع انسانی رییس جمهوری، ۱۸ شهریورماه، گفت: "دولت لایحه ای را در باره کاهش ساعت کاری زنان که موضوع آن افزایش جمعیت است، به مجلس ارائه کرده است."

در روند سیاست های مخرب، عوام فریبانه، و زن ستیزانه احمدی نژاد در دو دوره ریاست جمهوری اش، و پس از طرح لایحه جنجال برانگیز و ارتجاعی معروف به "لایحه خانواده"، از سه سال پیش با انتقاد از کنترل جمعیت، خواستار افزایش

ادامه در صفحه ۳

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

هفتاد و یک سالگی پیکار حزب توده ایران، حزب توده های رنج و زحمت، حزب مدافعان آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی گرامی باد!



ادامه در صفحه ۶

هم میهنان گرامی!

دهم مهرماه مصادف است با هفتاد و یکمین سالگرد بنیان گذاری حزب توده ایران. تاریخ حزب توده ایران، تاریخ کهن ترین سازمان سیاسی میهن ما، و تاریخ پیکار پرشور ده ها هزار تن مبارزی است که خواست و تلاش شان از میان برداشتن استثمار، بی عدالتی، عقب ماندگی اجتماعی و اقتصادی، و همچنین نابودی استبداد و نیز راه گشایی به سمت برپایی ایرانی آزاد و آباد بوده است. اهمیت و میزان اثر گذاری حزب های سیاسی بر تاریخ و حیات اجتماعی هر کشوری را می توان از زوایه فعالیت های سیاسی، ارائه برنامه های نو و تحول برانگیز و درجه و نقش فعالیت این حزب ها در رویدادهای مهم تاریخی بررسی کرد.

اهمیت نقش حزب توده

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه!"

ادامه پاسخ مثبت ده ها حزب کارگری ...

۱. حزب توده ایران
۲. حزب دموکراسی و سوسیالیسم الجزایر (PADS)
۳. حزب کمونیست استرالیا
۴. جبهه آزادی بخش ملی بحرین
۵. حزب کمونیست بنگلادش
۶. حزب کمونیست بلژیک
۷. حزب کارگران بلژیک
۸. حزب کمونیست برزیل
۹. حزب کارگران برزیل
۱۰. حزب کمونیست بریتانیا
۱۱. حزب کمونیست کانادا
۱۲. حزب کمونیست کاتالونی
۱۳. حزب کمونیست شیلی
۱۴. حزب کمونیست کلمبیا
۱۵. حزب کارگران سوسیالیست کرواسی
۱۶. حزب ترقی خواه زحمتکش قبرس (اکل)
۱۷. حزب کمونیست بوهم و مورای (جمهوری چک)
۱۸. حزب کمونیست دانمارک
۱۹. حزب کمونیست فنلاند
۲۰. حزب کمونیست فرانسه
۲۱. حزب کمونیست آلمان
۲۲. حزب کمونیست یونان
۲۳. حزب کمونیست گوادولوپ
۲۴. حزب کارگران کمونیست مجارستان
۲۵. حزب کمونیست هندوستان
۲۶. حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست)
۲۷. حزب کمونیست عراق
۲۸. حزب کمونیست ایرلند
۲۹. حزب کارگران ایرلند
۳۰. حزب رفونداسیون کمونیست ایتالیا
۳۱. حزب کمونیست های ایتالیا
۳۲. حزب کمونیست اردن
۳۳. حزب کمونیست لبنان
۳۴. حزب سوسیالیست لتونی
۳۵. جبهه مردمی سوسیالیست لیتوانی
۳۶. حزب کمونیست لوکزامبورگ
۳۷. حزب کمونیست مالت
۳۸. حزب کمونیست مارتینیک
۳۹. حزب کمونیست مکزیک
۴۰. حزب پیشرفت و سوسیالیسم مراکش
۴۱. حزب پیشاهنگ ترقی خواه سوسیالیست مراکش
۴۲. حزب کمونیست نروژ
۴۳. حزب کمونیست اسرائیل
۴۴. حزب مردم فلسطین
۴۵. حزب کمونیست پاکستان
۴۶. حزب کمونیست پرو
۴۷. حزب کمونیست پرغال
۴۷. حزب کمونیست مردم اسپانیا
۴۹. حزب کمونیست سوئد
۵۰. حزب کمونیست سودان
۵۱. حزب کمونیست فدراسیون روسیه
۵۲. حزب استقلال و کار سنگال
۵۳. حزب کمونیست اسپانیا
۵۴. حزب کمونیست آفریقای جنوبی
۵۵. حزب کمونیست رتونیون (منطقه ماوراء بحار فرانسه در اقیانوس آرام)
۵۶. حزب کمونیست ترکیه
۵۷. جنبش تجدید تونس
۵۸. حزب کارگر تونس
۵۹. حزب کمونیست ایالات متحد آمریکا
۶۰. حزب کمونیست اوروگوئه
۶۱. جبهه پولیساریو (صحرائی غربی)
۶۲. حزب کمونیست اتریش

ایران، و همه نیروهای ترقی خواه و دموکراتیکی که در راه دموکراسی، استقلال، عدالت اجتماعی، و منطقه‌یی عاری از حضور و مداخله نظامی امپریالیستی پیکار می‌کنند" با صراحت حمایت می‌کند، و پیوند خود با جنبش جهانی در مخالفت با آغاز جنگ دیگری در منطقه برضد ایران را اعلام می‌دارد. لازم به یادآوری است که، چند هفته پیش، برپایه تلاش های هواداران حزب توده ایران، کنگره "شورای جهانی صلح"، که اجلاس چهار سال یکبار خود را در کاتماندو، پایتخت نپال، برگزار می‌کرد، در قطع‌نامه‌یی، حمایت خود را از مبارزه مردم ایران در راه صلح، آزادی ها، حقوق دموکراتیک، و عدالت اجتماعی، اعلام کرد، و همزمان با آن، سیاست‌های تجاوزگرانه و تهدیدآمیز ایالات متحده و اتحادیه اروپا برضد میهن‌مان را محکوم دانست. همان گونه که در سرمقاله شماره قبل "نامه مردم"، ارگان مرکزی حزب توده ایران، آمده است، ما بر این باوریم که، در حال حاضر یکی از وظیفه‌های اساسی همه نیروهای صلح طلب، ترقی خواه، و دموکراتیک میهن‌مان، کوشش در راه بسیج کردن "تمام نیروهای صلح دوست در ایران و جهان" به منظور "مقابله با سیاست‌های خطرناک امپریالیسم و عامل آن در منطقه، یعنی دولت اسرائیل" می‌تواند باشد. حزب توده ایران، همدوش اکثر نیروهای میهن‌دوست و آزادی‌خواه کشورمان، با هرگونه مداخله خارجی در امور ایران مخالف است، و "معتقد است ماجراجویی‌های نظامی، از دست آنچه سران رژیم اسرائیل در تدارک آنند می‌تواند عواقب بسیار فاجعه‌باری برای منطقه خاورمیانه به همراه داشته باشد"، بنابراین "باید با تمام توان و بسیج گسترده افکار عمومی جهان جلوی این ماجراجویی‌ها را گرفت".

متن کامل "بیانیه" حزب‌های "کمونیست و کارگری" جهان، و نام حزب‌های امضا کننده آن را در زیر می‌خوانید:

به طور کامل با هرگونه اقدام نظامی برضد ایران مخالفیم!

ما، حزب‌های کمونیست و کارگری امضا کننده زیر، نگرانی شدید خود را نسبت به گفته‌های اخیر سیاست‌گذاران اسرائیلی درباره حمله به ایران اعلام می‌داریم، و این گفته‌ها را محکوم می‌کنیم. ما بر این باوریم که، گفته‌های بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، که نشان از آمادگی اسرائیل برای حمله نظامی‌ای "پیشگیرانه" به ایران پیش از انجام انتخابات ریاست جمهوری آمریکا دارد، می‌تواند منطقه را به جنگی تازه با پیامدهایی تصوراتناپذیر بکشاند. نشانه‌های توجه‌برانگیز و مهمی وجود دارند حاکی از آنکه نقشه‌های اسرائیل با مقام‌های پر قدرت در دولت آمریکا و برخی از دولت‌های اتحادیه اروپا هماهنگ شده است.

در عین حال، ما موضع ایالات متحد آمریکا و اتحادیه اروپا را در قالب سکوت رضایت‌آمیز نسبت به اقدام‌های دولت اسرائیل، نیز محکوم می‌کنیم. ما بر این باوریم که، سیاست‌های امپریالیسم آمریکا و متحدانش در مورد ملت‌های خاورمیانه، موجب ترغیب رهبری اسرائیل شده است تا با فراغ خاطر، سیاست‌های خصمانه و تجاوزگرانه‌یی را به پیش برد که پیامدهای آن، به آتش کشیده شدن کل منطقه خاورمیانه و به خطر افتادن صلح جهانی است. ما معتقدیم که، راه حل زدودن تنش و تشنج در منطقه و تأمین صلح، محکوم کردن مداخله نظامی آشکار و نهان در کشورهای خاورمیانه است. همه اختلاف‌ها و مناقشه‌های منطقه را باید از راه گفت و گو، و بر اساس حفظ صلح و مراعات منشور سازمان ملل متحد، و احترام به استقلال ملت‌ها حل و فصل کرد.

ما همبستگی خود را با مبارزه مردم ایران در راه صلح، حقوق بشر و حقوق دموکراتیک، و عدالت اجتماعی اعلام می‌کنیم. ما قاطعانه اعتقاد داریم که، تصمیم‌گیری درباره سرنوشت ایران و ساختار اجتماعی-اقتصادی آن، فقط به عهده خود مردم ایران است. به اعتقاد ما، دامن زدن به تشنج با موضع‌گیری‌های غیرمسئولانه‌یی مانند نابودی دولت اسرائیل و ژست‌های نظامی درباره بستن تنگه هرمز، از سوی برخی از سران رژیم ایران، فقط به نقشه‌های امپریالیستی برای مداخله نظامی در منطقه خدمت و کمک می‌کند. ما بار دیگر حمایت خود را از مبارزه طبقه کارگر ایران و حزب آن، حزب توده ایران، و همه نیروهای ترقی خواه و دموکراتیکی که در راه دموکراسی، استقلال، عدالت اجتماعی، و منطقه‌یی عاری از حضور و مداخله نظامی امپریالیستی پیکار می‌کنند، اعلام می‌کنیم.

ادامه ولی فقیه در راه طالبانیزه کردن...

جمعیت در ایران شد و گفت: "روزی از سوی خداوند است و هرکس روزی دارد و این روزی با تلاش و کوشش به دست می آید. ما نباید به دلیل مصرف بیشتر خودمان دست به نسل کشی بزنیم."

این سخنان احمدی نژاد در شرایطی گفته شد که فقر فزاینده و گسترده‌ای بر کشور است، و همه روزه بر عده بیکاران افزوده می شود. این روند که با شتاب بیشتری ادامه دارد، در عمل نیز دولت توان پاسخ گویی به آن‌ها را ندارد. فقر فزاینده ای که نه تنها مردم را از کسب "روزی" انداخته است، بلکه سبب شده است تا بخش وسیعی از مردم با گرسنگی، بی خانمانی، و فلاکت دست به گریبان شوند.

جالب است که بخشی از مسئولان و کارشناسان با انتقاد از احمدی نژاد، سخنان وی را غیر کارشناسانه و مخرب دانسته اند. از جمله "مسعود پزشکیان"، وزیر بهداشت سابق بهداشت کشور در همین مورد و در رابطه با مخالفت احمدی نژاد با شعار "دوفرزند کافی است"، گفت: "این حرف از نظر علمی جای بحث دارد. حداقل باتوجه به تجربیات، مطالعات و اطلاعاتی که ما در دسترس داریم، انجام این کار ممکن نیست... واقعیات جامعه ما، واقعیت های تلخی است... امروز خانواده های ما مشکلاتی دارند که به نظر بنده باید ابتدا به فکر حل این آنها باشیم... امروز در خانواده های ایرانی یا یک یا بیش از یک جوان بیکار داریم که باید برنامه ریزی های کشور در جهت حل مشکل این جوانان بیکار باشد نه اینکه هنوز مشکل جمعیت فعلی کشور حل نشده به فکر افزایش جمعیت باشیم... اولویت ما باید پیش از هر برنامه ریزی برای افزایش و تعدد فرزندان خانواده ها حل مشکلات موجود در خانواده ها به خصوص برای جوانان باشد... با همین جمعیت فعلی ما امروز شاهد افزایش تقاضاها از کمیته امداد و پزیرستی هستیم و هر روز شاهدیم که به تعداد افراد زیر پوشش این نهادهای حمایتی بیشتر و بیشتر می شود. برای من جای سؤال است که علیرغم وجود این مسائل به فکر افزایش جمعیت باشیم" (سایت خبری مهر، ۳۰ فروردین ماه ۱۳۸۹).

اما با این حال و به رغم مخالفت‌ها و اعتراض‌های گوناگون، به ویژه از سوی زنان میهن‌مان، خامنه‌ای، "ولی فقیه"، ضمن پشتیبانی از سخنان احمدی نژاد، چراغ سبز اجرای این طرح را به دولت او نشان داد. خامنه‌ای در همین رابطه، ۱۸ مردادماه ۱۳۹۰، در دیدار با مسئولان رژیم گفت: "جمعیت کشور، هفتاد و پنج میلیون. البته بنده همین جا عرض بکنم، من معتقدم که کشور ما با امکاناتی که داریم، میتواند صد و پنجاه میلیون نفر جمعیت داشته باشد. من معتقد به کثرت جمعیتیم. هر اقدام و تدبیری که میخواهد برای متوقف کردن رشد جمعیت انجام بگیرد، بعد از صد و پنجاه میلیون انجام بگیرد!"

پس از ارائه این طرح به مجلس، در بسیاری از سایت‌های خبری و نشریه‌ها، درباره چگونگی "تامین" اقتصادی، خانه نشین شدن زنان، افزایش جمعیت و افزایش بیکاری، بحث‌های فراوانی شده است. بیشترین بحث بر سر توان دولت در تامین بودجه این طرح است. اما با شناختی که از "برنامه‌های" اقتصادی احمدی نژاد وجود دارد، این "وعده‌ها" و "تضمین‌ها" بخش دیگری از شعارهای عوام‌فریبانه احمدی نژاد در فریب زنان میهن‌مان است تا آنان را به قبول طرح‌های زن ستیزانه و ارتجاعی رژیم ولی فقیه وادار کند. دولت احمدی نژاد در نیمه دوم سال ۱۳۸۹ اعلام کرد: "به خانواده هر نوزاد پس از تولد، یک میلیون تومان" خواهد داد، اما این طرح مانند طرح‌های دیگر به دلیل "کمبود منابع مالی" و "کسری بودجه" دولت و مانع‌های اجرایی مرتبط با تصویب مجلس و مخالفت کارشناسان، به مرحله اجرا در نیامد. در حال حاضر نیز پس از سیاست قاعده بار اجرای "نقدی کردن یارانه‌ها"، و به دنبال آن افزایش نجومی بهای ارزاق عمومی و سایر هزینه های زندگی، پرداخت فاز دوم این طرح زیر علامت سؤال جدی است و مردم با شرایط اقتصادی توأم با فقر و ناسامانی فزاینده روبه‌رویند.

اما آنچه که کمتر به آن پرداخته شده است و از اهمیت

بسیاری برخوردار است، هدف‌های سیاسی رژیم و ناهنجاری های اقتصادی و اجتماعی این طرح است.

هدف اصلی رژیم "ولایت فقیه" در وهله اول خارج کردن زنان میهن‌مان از عرصه مبارزه سیاسی و اقتصادی است. زنان نیمی از نیروی اجتماعی کشورند که به رغم تمامی فشارهای ارتجاع حاکم، توانسته‌اند در بسیاری از زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی، به موفقیت‌های چشمگیر دست یابند. زنان که نقش بسزایی در پیروزی انقلاب ۵۷ داشتند، در تغییر شرایط سیاسی در دوم خرداد و روی دادهای پس از آن نیز اثرگذار و تعیین کننده بودند. این روند حضور در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی کشور سبب رشد هرچه بیشتر آگاهی‌های آنان شد. زنان کشور در سه دهه پیش، با حضور فعال در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی و در ادامه با به وجود آوردن سازمان‌های گوناگون سیاسی و اقتصادی به پیگیری خواست های برحق خود پرداختند. این امری است که با منافع و باورهای سیاسی رژیم ولایت فقیه و روحانیون حاکم در تضاد است، و وجود زنان آگاه و سازمان‌دهی شده را خطری جدی برای خود می داند و تلاش می کند تا با اجرای "قوانین فقهی" و ارتجاعی، زنان را از دستیابی به حقوق قانونی خود و حق اعتراض محروم سازد.

رژیم "ولایت فقیه" با زنان میهن‌مان به مانند "موجودات ناقص الخلقه" می برخورد می کند که هیچ حقی در تعیین شرایط زندگی خود ندارند و برای انجام کمترین خواست خود باید اجازه مرد را، در هر سنی که هستند، داشته باشند. با تحمیل قوانین ارتجاعی که هیچ مناسبتی با فرهنگ جامعه ندارد، دختران کم سال را به ازدواج‌های غیرقانونی و جنایتکارانه مجبور می کنند، و با آنان، با این دختران جوان، همچون برده‌یی عصر تاریکی رفتار می کنند. بنا به گزارش‌های منابع داخلی و بین‌المللی، ازدواج‌های زود رس همه ساله چه در سطح روستاها و چه در سطح شهرها رو به افزایش است.

جالب اینکه، غلامحسین محسنی اژه‌ای، دادستان کل کشور، روز دو شنبه ۲۷ شهریورماه، در نشست خبری‌ای در مقام سخنگوی قوه قضائیه، بی شرمانه در تایید رشد ازدواج‌ها در سن های زیر ۱۰ سال، آن‌ها را قانونی و "شرعی" دانست. او درباره آمار بالای ثبت ازدواج دختران زیر ۱۰ سال گفت: "منعی برای چنین ازدواج‌هایی وجود ندارد و عمل خلاف قانونی نیست... ممکن است عقدی صورت گیرد تا صرفاً دو خانواده به هم محرم شوند اما در این بین عمل زناشویی رخ ندهد."

تصویب چنین قوانینی، همان گونه که اشاره شد، علاوه بر خارج کردن زنان از محیط‌های تحصیلی، اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی، پیامدها و مشکل‌های دیگری را به همراه خواهد داشت که منجر به افزایش هرچه بیشتر ناهنجاری‌های موجود، مانند فقر، بیکاری، فحشا، پایین تر آمدن سن ازدواج، افزایش ازدواج با چند زن، مرگ و میر بیشتر در بین زنان به دلیل بارداری‌های پرشمار و در سنین کم (کودکان) منجر خواهد شد.

با چنین طرحی، و در وهله اول، زنان استقلال اقتصادی خود را هرچه بیشتر از دست خواهند داد و در عمل بدون وجود یک سیستم تامین اجتماعی که بتواند زندگی آنان را در شرایط سختی‌های اقتصادی و اجتماعی تامین کند، زنان را از نظر مالی نیازمند مردها و در نتیجه به تحمل شرایط ناخواسته و مطابق با تمایلات مردها وادار خواهد کرد. در این مورد شرایط زندگی برای زنان شاغلی که تنها نان‌آور خانواده خودند، بسیار بغرنج‌تر خواهد بود. زنانی که با تحمل شرایط سخت کار و با در آمدی کمتر نسبت به مردان، تنها منبع درآمد خود و خانواده را از دست می دهند، هرچه بیشتر به سوی فقر، بدبختی، بی خانمانی، فلاکت، و فحشا سوق داده می شوند.

جنبه دیگر این طرح، تبدیل کردن زنان به "ماشین‌های" تولید مثل است که در آن برنامه افزایش جمعیت، که حکم "رهبری" نیز مهر تایید بر آن زده است، پایین آمدن سن ازدواج و افزایش ازدواج‌های مکرر در بین مردان، به امری "قانونی" و "فقهی" و "واجب الاجرا" بدل خواهد شد.

رژیم ولایت فقیه که از فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زنان در هراس است، تلاش می کند تا با متوسل شدن به "قوانین فقهی" و ارتجاعی، و با تکیه بر دستورهای خامنه‌ای، این طرح را هرچه سریع‌تر و خشن‌تر به پیش ببرد. اما زنان میهن‌مان همواره، حتی در دشوارترین شرایط سیاسی و اجتماعی، در عرصه مبارزه حضور داشته‌اند و قهرمانانه برای دستیابی به خواست‌های به حق و قانونی خود، مبارزه کرده اند. جنبش مبارزاتی زنان میهن‌مان در پیوند با مبارزه جنبش‌های کارگران، جوانان، دانشجویان، و نیروهای مردمی و مترقی، در مقام یکی از اصلی‌ترین گردان‌های جنبش‌های اجتماعی ایران باقی خواهد ماند.

با ادامه حاکمیت رژیم "ولایت فقیه" و قوانین "مدنی" متکی بر "اسلام ناب"، که ایده طالبانیزه کردن فضای اجتماعی در کشور را، به ویژه در مورد زنان، در سر می پروراند، شرایط زنان میهن‌مان وخیم تر خواهد شد. اولین قدم در راه مبارزه با چنین قوانینی و با سایر قوانین ارتجاعی و به عقب راندن تهاجم رژیم، مبارزه مشترک در راه طرد رژیم خودکامه و بغایت ارتجاعی "ولایت فقیه" است.



مخالفت خانواده‌ها، کارشناسان امورتربیتی، و فرهنگیان باسابقه، ازجمله نوشت: "یک کارشناس ارشد مدیریت منتقد دراین زمینه خطاب به مسئولان آموزش و پرورش می‌گوید، برای اجرای این طرح عجله نکنید، به‌خدا بچه‌های مردم موش آزمایشگاهی نیستند که این فاجعه را برای آنها ایجادکنیم، مثل صدها طرح دیگر که بعداً فهمیدند اشتباه‌است... یک معلم نیز دراین زمینه معتقداست، بسیاری از همکاران فرهنگی مخالف این کارهستند. کافی است بدانیم درصورت اجرای ششم ابتدایی ده‌هزار معلم ابتدایی لازم‌است و ده‌ها هزارکلاس راهنمایی تعطیل می‌شود که باعث می‌شود هزاران معلم مازاد داشته‌باشیم."



آغاز سال تحصیلی جدید: نگرانی خانواده‌های میلیون ها دانش آموز

با فرارسیدن اول مهرماه و آغازسال تحصیلی جدید خانواده‌های میلیون‌ها دانش‌آموز سراسر کشور این‌بار بیش از سال‌های قبل با نگرانی به آینده تحصیلی فرزندان خود می‌نگرند.

وزیر آموزش و پرورش دولت ضدملی احمدنژاد، در آستانه سال تحصیلی جدید، از فراهم‌ساختن امکان اجرای بخش‌هایی از طرح "سند تحول بنیادین" آموزش و پرورش، و به‌ویژه تشکیل مجتمع‌های موسوم به "حیات طیبه"، خبر داده‌است. این درحالی‌است که "مجلس شورای اسلامی" کماکان با "دولت" درباره استقرار نظام آموزشی جدید به توافق نرسیده‌است. روزنامه اعتماد، ۱۴ شهریورماه، دراین باره گزارش داد: "اظهارنظرهای محافظه‌کارانه رییس کمیسیون آموزش درباره تغییرات ساختاری نظام آموزشی درحالی‌است که تصمیمات یک‌جانبه و بدون مشورت مسئولان آموزش و پرورش درباره موضوعاتی همچون نظام آموزشی ۳-۳-۶ و تعطیل بودن یا نبودن پنج‌شنبه‌ها، خانواده‌های ۱۲ میلیون دانش‌آموز را این روزها دچار نگرانی و سردرگمی کرده‌است. ماجرا ازاین قراراست که آموزش و پرورش با اصرار قصد دارد از مهرماه امسال ساختار نظام آموزشی را به ۳-۳-۶ تغییر دهد... با استقرار این نظام، از امسال پایه اول راهنمایی تشکیل نمی‌شود و دانش‌آموزان کلاس پنجم به جای رفتن به پایه اول راهنمایی در پایه ششم ابتدایی درس می‌خوانند و تلفیقی از کتاب‌های دبستان و راهنمایی را یاد می‌گیرند. آموزش و پرورش معتقداست این تغییرات براساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش‌است."

بسیاری از کارشناسان مستقل و آموزگاران و دبیران کشور با چنین برنامه و سیاست‌هایی که به‌هیچ‌وجه شالوده‌پی علمی و کارشناسانه ندارند، مخالفت می‌کنند. "سند تحول بنیادین" از سوی مدیران وزارت آموزش و پرورش و گروهی از "طلبه‌ها" و روحانیون مرکزهای دینی‌ای مانند "موسسه پژوهشی خمینی" وابسته به "مصباح یزدی" و "حوزه عملیه قم" تهیه و تدوین شده‌است، و محتوایی مترقی به سود اجرای نظام آموزشی‌ای پیشرفته و مدرن ندارد. دراین زمینه روزنامه اعتماد با بازتاب دادن

موضوع نظام آموزشی و کیفیت

آموزش در مقطع‌های مختلف تحصیلی، از همان ابتدای حیات جمهوری اسلامی مورد توجه و واپس‌گرایان قرار داشته‌است. کوشش برای "اسلامی‌کردن" نظام آموزشی تاکنون صدمه‌های جبران‌ناپذیری به سطح علمی و آموزشی کشور وارد ساخته‌است. اجرای "سند تحول بنیادین" آموزش و پرورش نیز یکی از ارتجاعی‌ترین و عقب‌مانده‌ترین طرح‌هایی است که در طول بیش از سه دهه گذشته در دستور کار واپس‌گرایان بوده‌است. سال تحصیلی در اوضاعی آغاز شده‌است که تنزل کیفیت آموزشی مقطع‌های مختلف تحصیلی، نارضایتی ژرف آموزگاران و دبیران، نگرانی خانواده‌ها، و آینده مبهم میلیون‌ها دختر و پسر دانش‌آموز را شاهدیم. تغییر ساختار نظام آموزشی برپایه تفکر قرون وسطایی و واپس‌مانده‌خطری‌است که نسل‌های امروز و فردا، و توان و بنیه علمی میهن ما را تهدید می‌کند.

لایحه "نظام جامع رسانه‌ای": سانسور و اختناق فزاینده!

همان‌گونه که انتظار می‌رفت، لایحه "نظام جامع رسانه‌ای" در کمیسیون فرعی هیات دولت به تصویب رسید، و مرحله پایانی تصویب نهایی آن در هیات وزیران در حال بررسی است. خبرگزاری مهر، ۴ شهریورماه، دراین باره گزارش داد: "مدیرکل دفتر حقوقی وزارت ارشاد از تصویب تمامی ۴۸ ماده لایحه نظام جامع رسانه‌ای در کمیسیون فرعی هیات دولت خبر داد... این لایحه در کمیسیون اصلی دولت هم در دست بررسی است و تاکنون حدود ۲۵ ماده آن هم در این کمیسیون تصویب شده‌است." سپس در ادامه گزارش افزوده می‌گردد: "در این لایحه رسانه‌ها عام‌الشمول تر هستند و شامل همه رسانه‌های چاپی، الکترونیکی، نوشتاری، دیداری و شنیداری می‌شوند. این مقام مسئول در وزارت ارشاد تاکید کرد در لایحه جدید نظام جامع رسانه‌ای به جای هیات نظارت بر مطبوعات، هیاتی تحت عنوان هیات نظارت بر رسانه‌ها به فعالیت می‌پردازد و تعداد اعضای آن هم به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش خواهد یافت... به احتمال بسیار زیاد این لایحه تا پایان تابستان امسال از سوی دولت به مجلس ارایه می‌شود."

براساس برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی، دولت باید تا پایان سال نخست برنامه پنجم، لایحه "نظام جامع رسانه‌ای" را تدوین، تصویب، و سپس برای تصویب نهایی به مجلس ارسال کند. این لایحه از همان ابتدا از سوی روزنامه‌نگاران و نویسندگان کشور با مخالفت روبه‌رو شد. هدف از تدوین این لایحه، تنگ‌تر کردن دایره سانسور بر گرد روزنامه‌ها و کلیه رسانه‌های داخلی از جمله روزنت‌ها، وبلاگ‌ها، و خبرگزاری‌های اینترنتی است. در صورت تصویب نهایی این لایحه ارتجاعی، سازمان یا نهادی با عنوان "سازمان نظام رسانه‌ای" تاسیس می‌شود که در آن نمایندگان سه قوه یعنی مجریه، قضایی، و مقننه، به همراه نمایندگان نهادهای امنیتی و اطلاعاتی، در خصوص گرفتن پروانه و فعالیت روزنامه‌ها، مجله‌ها، خبرگزاری‌ها، سایت‌های اینترنتی، و وبلاگ‌ها، تصمیم‌گیری می‌کنند. این بدان معناست که، حق آزادی بیان و قلم بیشتر از گذشته

ادامه تأملی بر رویدادهای ایران ...

پایمال می‌شود، و سانسوری هدفمند و سازمان‌یافته از سوی حکومت بر کلیه رسانه‌ها اعمال خواهد شد. مطابق لایحه نام‌برده، سازمان یا نهاد "نظام رسانه‌ای"، تمامی فعالیت‌های مرتبط با حرفه روزنامه‌نگاری مانند: تأیید صلاحیت روزنامه‌نگاران و خبرنگاران، صدور مجوز، نظارت و رسیدگی به تخلف‌ها را پوشش خواهد داد. لایحه "نظام جامع رسانه‌ای"، با اصل آزادی بیان و اندیشه در تقابل کامل قرار دارد، و استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاران و مدیران مسئول مطبوعات چاپی، اینترنتی، و خبرگزاری‌ها را نقض می‌کند. این لایحه در حالی در هیات دولت به تصویب می‌رسد که کماکان دادگاه‌های مطبوعات محدوده فعالیت روزنامه‌نگاران را محدودتر می‌سازند. محاکمه مدیران مسئول روزنامه‌های "بهار" و "خراسان" در شعبه ۷۶ دادگاه مطبوعات، نمونه‌یی از اعمال فشار و سانسور در حق روزنامه‌نگاران و مطبوعات داخلی کشور است. در عین حال، تعداد چشمگیری از روزنامه‌نگاران مستقل نیز همچنان در زندان به سر می‌برند و از حق بدیهی زندگی و فعالیت شغلی و اجتماعی خود محرومند.

لایحه "نظام جامع رسانه‌ای"، اقدام هدفمند ارتجاع حاکم برای اعمال سانسور و اختناق در جامعه و پایمال ساختن حق آزادی بیان، قلم و اندیشه است.

زیستن بر لبه پرتگاه فاجعه:
کسب و کار "کولبران"

در سال‌های اخیر، همراه با گسترش فقر در سراسر کشور، منطقه‌های مرزی، به ویژه منطقه‌های کردنشین، با پدیده‌یی جدید که هر روز دامنه و بدهای گسترده‌تری به خود می‌گیرد روبه رو شده‌اند. این پدیده یا شغل کاذب، کولبری نام‌گرفته است. "شغل" پرمخاطره کولبری عبارت‌است از: حمل کالاهای قاچاق از خاک عراق به منطقه کردستان در ایران. هزاران هم‌وطن پیر و جوان در اثر فقر و تیره‌روزی به ناچار تن به این "شغل" خطرناک می‌دهند. کولبران اغلب جوانان و حتی زنانی‌اند که برای امرار معاش خود و خانواده‌هایشان مسیرهای طولانی و پرخطر و مین‌گذاری شده نوار مرزی ایران و عراق را طی می‌کنند، و به سفارش تاجرهای عمده - که سررشته همه آنان به محفل‌ها و مرکزهای حکومتی وصل است، انواع کالاها را به طور قاچاق بردوش خود حمل می‌کنند و به مقصد موردنظر سفارش‌دهندگان می‌رسانند. سپاه، نیروی انتظامی، و مسئولان رژیم ولایت‌فقیه، کولبری را قاچاق و هزاران انسان تهیدست و شوربخت کولبر را قاچاقچی می‌دانند، و تاکنون ده‌ها تن از آنان را به هنگام عبورشان از مرز کشته‌اند. این در حالی است که، شرکت‌های وابسته و پیوسته به سپاه پاسداران [برادران قاچاقچی!] و آقازاده‌ها، که با رانت‌های دولتی سالیانه میلیاردها تومان کالای قاچاق به کشور وارد می‌کنند، از هرگونه اتهام، تهدید، و مجازاتی درامانند و قاچاقچی به حساب نمی‌آیند. مطابق آمار رسمی گمرک جمهوری اسلامی، میزان کالاهای وارداتی قاچاق از مرزهای استان کردستان از ۳ درصد کل مواد و کالاهای قاچاق به کشور کمتر است. چندی پیش نماینده "سفر" و "بانه" در مجلس شورای اسلامی، هنگام مخالفت با آمارهای دولت در خصوص بیکاری در استان‌های مختلف کشور، به پدیده "کولبری" و رواج آن در منطقه‌های کردنشین اشاره کرد، و از جمله خاطر نشان ساخت: "آمارهای دولت بیانگر آن است که میزان بیکاری (استان کردستان) در مرز ۱۱ درصد است، اما استاندار کردستان به صراحت اعلام کرده میزان بیکاری استان بالای ۲۰ درصد است. . . دولت هر حرکتی برای کسب یک لقمه نان بخورونمیر را هم کار حساب می‌کند، در کردستان بحثی به نام

کولبری داریم، آقایان این کارها را هم جزو آمار اشتغال حساب می‌کنند در حالی که اینها درآمدهای ناچیز دارند."

بر اساس گزارش‌های منتشر شده در رسانه‌های داخلی، "کولبران" از محروم‌ترین قشرهای جامعه‌اند. "کولبران" در مقابل حمل کالا از مرز تا محل موردنظر سفارش‌دهندگان کالا بر شانه‌های خود، دستمزدهایی بین سی تا پنجاه هزار تومان دریافت می‌کنند. مطابق آمار سازمان‌های مدافع حقوق بشر، از ابتدای سال جاری حداقل ۷۴ تن از "کولبران" به ضرب گلوله مرزبانان کشته شده‌اند، و نزدیک به ۸۰ نفر از آنان نیز زخمی گردیده‌اند. پدیده "کولبری"، پیامد مستقیم رشد فقر، بیکاری، و تیره‌روزی مردم میهن‌ماست.

سود اصلی حاصل از حمل‌مخاطره‌آمیز کالاهای قاچاق به جیب تجار پولداری در تهران، سنج، مهاباد، و دیگر شهرها سرازیر می‌شود که با اجیر کردن هم‌وطنان و همشهریان تهیدست و تیره‌روز خود و به بهای در پرتگاه فاجعه قرار دادن زندگی و جان آنان، ثروت می‌اندوزند. علت اصلی رشد و رواج پدیده "کولبری" در استان کردستان، فقر و بیکاری گسترده است. "وزارت کشور" و "استاندارد کردستان" از کمبود اعتبارهای مالی به منظور ایجاد اشتغال و رشد بخش کشاورزی و صنعتی سخن می‌گویند. در همین حال، خبرگزاری فارس، اول شهریورماه، در گزارشی می‌نویسد: "اختصاص ۱۶ میلیارد تومان اعتبار برای حراست از مناطق مرزی آذربایجان غربی (و کردستان) به تصویب رسید" [!]. این بودجه هنگامت به سپاه پاسداران، بسیج، نیروی انتظامی، و واحدهای مرزبانی تعلق می‌گیرد. باید پرسید که، اگر اعتبار مالی لازم برای ایجاد اشتغال در استان‌های آذربایجان غربی و کردستان وجود ندارد پس چگونه علاوه بر بودجه متداول مرکزهای نظامی و امنیتی، به یکباره ۱۶ میلیارد تومان به نام حراست از مرزها به سپاه و نیروی انتظامی و وزارت اطلاعات اختصاص می‌یابد؟!

رواج پدیده "کولبری"، همچون دیگر مظاهر فقر در کشورمان، در صورت تدوین و اجرای برنامه اقتصادی - اجتماعی‌ای مردمی، و همچنین تقویت بنیه تولیدی - صنعتی و کشاورزی کشور، ریشه کن خواهد شد. اجرای برنامه‌های اقتصادی فاجعه‌بار در گوشه گوشه میهن ما، رواج شکل‌های گوناگون فقر نظیر: حاشیه‌نشینی، تکدی‌گری، کولبری، فروش عضوهای بدن (فروش کلیه)، و از این قبیل را سبب شده‌است. می‌باید با طرد استبداد ولایی و برگزیدن سمت‌گیری اقتصادی - اجتماعی‌ای مردمی، بر چنین پدیده‌های شوم و دردناکی نقطه پایان نهاد، و زندگی و آینده‌یی شایسته انسان را امکان‌پذیر ساخت. هزاران "کولبر" در منطقه‌های کردنشین همانند دیگر مردم کشورمان، قربانی استبداد و چپاول‌گری رژیم ولایت فقیه‌اند!

ادامه همبستگی جهانی ...

برای رفتارهای وحشیانه خود بتراشد.

در ماه‌های اخیر تعدادی از نویسندگان مترقی و کنش‌گران حقوق بشری بازداشت شده‌اند. همان‌طور که آخرین شماره "ایران امروز" (نشریه "کودیر") گزارش داده است، اخیراً فریبرز رئیس‌دانا (استاد دانشگاه و اقتصاددان برجسته) و خانم میژه نجم - عراقی، از مسئولان کانون نویسندگان ایران، بازداشت شده‌اند و هنوز در زندان بسر می‌برند. رهبری اتحادیهٔ معلمان ایران زیر فشار قرار گرفته است تا وجود هر نوع پیوندی میان خود و اتحادیه "آموزش و پرورش بین‌المللی"، اتحادیهٔ بین‌المللی کارگران و کارمندان آموزش و پرورش، را تکذیب کند. کارزار دفاع از حقوق دموکراتیک و سندیکائی در ایران اهمیت حیاتی دارد، چرا که به طور مستقیم به برپایی و گسترش جنبش فراگیر و توده‌ای صلح در ایران خدمت می‌کند، و به مردم ایران باری میرساند تا صاحبان اصلی سرنوشت کشورشان و تحول‌های آینده آن باقی بمانند. فعالان سندیکائی، کنش‌گران جامعه مدنی، و فعالان حقوق بشر در ایران به همبستگی عملی و مبارزه جویانه ما نیاز دارند، و بزرگ‌ترین اقدام همبستگی که کنفرانس کنونی اتحادیه‌های کارگری می‌تواند انجام دهد این است که، به صراحت نشان دهیم که جنبش سندیکائی انگلستان مخالف جنگ طلبان است که به مداخله نظامی در ایران تهدید می‌کنند.

ادامه اعلامیه کمیته مرکزی ...

ایران در حوادث و رویدادهای تاریخ معاصر ایران آنچنان است که نمی‌توان هیچ واقعه تاریخی پر اهمیتی را در تمامی این سال‌ها یافت که نقش و تاثیر حزب ما بر آن آشکار نباشد. اگر چه دستگاه‌های تبلیغاتی حکومت‌های ارتجاعی، و بلندگوهای امپریالیسم جهانی تلاش کرده‌اند تا با قلب رخ دادهای تاریخی، ماهیت انقلابی و رزمنده حزب طبقه کارگر و زحمتکشان کشور را واژگونه ترسیم کنند. بر رغم آنکه تنها دوران کوتاهی از حیات حزب توده ایران در شرایط فعالیت علنی سپری شده است، با این وجود بسیاری از مترقی‌ترین اندیشه‌ها و برنامه‌هایی که سیمای جامعه ما را به کلی دگرگون کرده اند از سوی توده‌ای‌ها مطرح شده اند و تغییرات شگرفی را در حیات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران پدید آورده اند.

حزب ما نخستین سازمان سیاسی کشور، پس از سقوط حکومت استبدادی رضا شاه بود، که پرچم دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان، ضرورت تغییرهای بنیادین در راه شناسایی حقوق زنان و جوانان، ضرورت طرد ساختارها و رابطه‌های استعماری و همچنین مبارزه بر ضد فاشیسم و در راه صلح را، در ایران مطرح کرد و نیروی عظیم اجتماعی‌ای را به منظور عملی کردن این اندیشه‌ها به حرکت درآورد.

انتشار صدها کتاب و جزوه علمی، نشریات و مجلات پر محتوای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، نشر گسترده اندیشه‌های دوران ساز مارکسیسم-لنینیسم در جامعه، سازمان دهی سندیکاهای کارگری و دهقانی، سازمان دهی فعالیت‌های صنفی دانشجویی و ایجاد تشکل‌های پیشرو برای رهایی زنان میهن از چنگال واپس‌گرایی و ستم جنسی و طبقاتی، طرح برنامه‌های انقلابی و مبارزه برای به رسمیت شناختن شدن حقوق کارگران و تصویب قانون کار، مبارزه برای اجرای اصلاحات ارضی به نفع دهقانان، مبارزه برای دستیابی زنان میهن از حق انتخاب شدن و انتخاب کردن، کوشش برای بهره مند شدن همگان از بهداشت و آموزش رایگان برای همه، تقسیم عادلانه ثروت و تحقق عدالت اجتماعی، تحقق حق خودمختاری، در چارچوب ایرانی آزاد، برای همه خلق‌های کشور و آزادی حزب‌ها و جمعیت‌های صنفی، از جمله دیگر نظرات دوران سازی بودند که برای نخستین بار از سوی حزب ما در شکل و محتوایی سازنده و خلاق مطرح شدند و از سوی گسترده‌ترین قشرهای جامعه مورد استقبال قرار گرفتند، و در راه جامه عمل پوشاندن بدان‌ها هزاران توده‌ای و نیروهای مترقی مبارزه‌ای متشکل را سازمان دهی کردند.

حزب ما نخستین حزب سیاسی کشور بود که پیش و پس از پیروزی انقلاب شکوهمند بهمن ۱۳۵۷، برنامه و اندیشه‌های مترقی را برای دستیابی به آرمان‌های انقلاب و تعمیق آن ارائه داد. به اعتراف سران رژیم ولایت فقیه بسیاری از اندیشه‌های مترقی قانون اساسی کنونی در زمینه دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان، اصلاحات ارضی به نفع دهقانان بی زمین و کم زمین، محدود کردن سرمایه داری و پی ریزی نظری به منظور استقرار روابط و ساختارهای اقتصادی در جهت دست یافتن به عدالت اجتماعی و مقابله با دست اندازی‌های اقتصادی و دخالت‌های کشورهای امپریالیستی از جمله نتیجه‌های تاثیر معنوی حزب ما در دوران پس از پیروزی انقلاب بهمن ۵۷ بود.

بدین علت است که ارتجاع و امپریالیسم از همان نخستین سال‌های بنیان گذاری حزب توده ایران از پایه‌های فکری و سیاسی حزب ما، و از کاربرد خلاق این پایه‌های علمی در ارائه راه کارهای موثر برای پیشبرد امر مبارزه جنبش مردمی و همچنین از توان حزب در سازمان دهی کارگران و توده‌های محروم هراسان بودند و همچنان هستند؛ و نیز به همین سبب است که توده‌ای‌ها همواره در صف نخست یورش‌های ددمشانه دشمنان میهن مان بر ضد آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی بوده‌اند.

از مزدوران رژیم وابسته پهلوی گرفته که شمار بزرگی انسان‌های والا و رزمندگان قهرمان توده‌ای همچون روزبه، سیامک، مبشری، و کیوان... را به جوخه‌های اعدام سپردند، تا دژخیمان رژیم ولایت فقیه، که در بزرگ‌ترین کشتار سیاسی تاریخ میهن مان، هزاران مبارز

راه عدالت اجتماعی و آزادی، از جمله شمار کثیری از زندانیان توده‌ای، از قدیمی‌ترین زندانیان سیاسی جهان، اسطوره‌های پایداری در زندان‌های شاه و رژیم ولایت فقیه، را قتل و عام کردند، خواست همه آنان، نابودی حزب توده ایران و اندیشه‌های دوران سازش بوده است هرچند که تا به امروز به همت پیکار دلیرانه توده‌ای‌ها و کارگران و زحمتکشان میهن ما این تلاش‌ها با شکست رو به رو شده‌اند.

هم میهنان گرامی!

هفتاد و یکمین سالگرد بنیان گذاری حزب توده ایران در حالی فرا می‌رسد که میهن ما با شرایط فاجعه باری رو به روست. بیش از هفت سال پس از برگماری دولت ضد مردمی احمدی نژاد، با دخالت آشکار ولی فقیه رژیم و ارگان‌های سرکوبگر وابسته به او، و با زیر پا گذاشته شدن رای میلیون‌ها ایرانی، اکثریت قاطع مردم ما با دشواری‌های بی سابقه اقتصادی، گرانی‌های کمر شکن، فقر و محرومیت، ناهنجاری‌های اجتماعی و ادامه حفقان سیاسی شدید رو به رو هستند. سقوط آزاد ارزش ریبال در مقابل ارزش‌های خارجی، تشدید تورم، بیکاری میلیونی و آثار مخرب تحریم‌های اقتصادی کشورهای امپریالیستی در کنار سایه سیاه و شوم جنگ و برخوردهای نظامی جدید در منطقه، کشور ما را در آستانه فاجعه بی تمام عیار قرار داده است.

رویداد های سال‌های اخیر نشان داده است که سران رژیم بی توجه به شرایط اسفناک میلیون‌ها ایرانی و بی توجه به خطرهایی که از سوی سیاست‌های ماجراجویانه آنان منافع و تمامیت ارضی میهن ما را تهدید می‌کند با تکیه بیش از پیش بر سرنیزه و زور به حیات خود ادامه می‌دهند و با سرعت به سمت نظامی-امنیتی کردن بیش از پیش حیات سیاسی کشور پیش می‌روند.

بالا گرفتن بحران همه جانبه اقتصادی-سیاسی و فشارهای خارجی فزاینده، همچنین رسوایی بیش از پیش دولت ورشکسته احمدی نژاد، که خامنه‌ای آن را بهترین دولت پس از دوران مشروطیت اعلام کرده بود، به نگرانی‌های جدی و همچنین شکاف‌های جدید در صفوف نیروهای حاکمیت و تشدید درگیری‌ها میان آنان برای تسخیر دولت و مقام ریاست جمهوری، پس از دولت احمدی نژاد، منجر شده است. برای ما و تمامی نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور و اکثریت بزرگی از مردم میهن ما روشن است که در چارچوب ادامه نظام سیاسی کنونی نمی‌توان به تحول‌های مثبت به نفع منافع مردم امیدوار بود و از این روست که حزب توده ایران معتقد است که، تنها از طریق مبارزه مشترک همه نیروهای آزادی خواه و میهن دوست برای طرد رژیم ولایت فقیه است که می‌توان سیر فاجعه بار کنونی را متوقف کرد.

رزمندگان توده‌ای! اعضاء و هواداران حزب

برگزاری پر شکوه جشن‌های هفتاد سالگی حزب در ایران و جهان، در مهرماه سال گذشته، ده‌ها پیام پر شور تبریک حزب‌های کارگری و کمونیستی از سراسر جهان در حمایت و تحسین هفتاد سال پیکار حزب توده‌ها و همچنین گسترش تاثیر سیاست‌ها و برنامه‌های حزب بر مبارزه جنبش مردمی میهن ما و خصوصا جنبش کارگری و زحمتکشان کشور، نگرانی‌های جدی امپریالیسم جهانی و ارتجاع داخلی را برانگیخت. کارزار بی سابقه بنگاه سخن پراکنی دولت بریتانیا، بی‌بی‌سی، بر ضد تاریخ و مبارزات حزب توده ایران و اختصاص ده‌ها صفحه اینترنتی برای پخش انبوهی از نوشته‌های غرض ورزانه و نادرست، پخش برنامه و مصاحبه‌های تلویزیونی با افراد رانده شده از صفوف حزب، در کنار تشدید فعالیت‌های دستگاه‌های امنیتی رژیم برای متوقف کردن و در هم شکستن صفوف حزب ما نشانگر چالش‌های جدی‌ای است که توده‌ای‌ها در مسیر ادامه مبارزه‌شان با آنها رو به رویند.

رفقا!

توطئه نابودی فیزیکی و معنوی حزب توده ایران که با یورش دستگاه‌های امنیتی رژیم ولایت فقیه و یاری دستگاه‌های امنیتی امپریالیسم و عوامل آن در منطقه، در بهمن ماه ۱۳۶۱ آغاز شد و به دستگیری هزاران توده‌ای و جان باختن صدها تن از برجسته‌ترین رهبران و کادرهای حزب ما، در جریان فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی منجر شد، هنوز با تمام توان ادامه دارد. تلاش برای ایجاد بدبینی و تفرقه در صفوف حزب، بی اعتبار کردن ارگان‌های رهبری، هجوم سنگین تبلیغاتی و یاری به انتشار نشریه‌های ضد توده‌ای، همچون "راه توده" و تلاش برای رهبر تراشی با بهره جویی از قربانیان شکنجه و در عین حال زمینه سازی برای "حزب سازی" در ایران، از جمله برنامه‌هایی است که باید با دقت و هوشیاری

از غرفه حزب با رفقای مسئول درباره تحول‌های سیاسی در ایران به بحث نشستند.

بازدید سردبیر "اومانیت" از غرفه "نامه مردم"

مراسم سستی گشایش رسمی دهکده جهانی، طبق برنامه، صبح روز شنبه ۲۵ شهریورماه با حضور نمایندگان حزب‌ها و نیروهای شرکت کننده در جشنواره و همچنین نمایندگان دیپلماتیک برخی کشورها، و با سخنرانی رفیق "پاتریک" برگزار شد. هیئت



نماینده‌ی حزب توده ایران نیز در این مراسم به دعوت برگزارکنندگان جشنواره شرکت کرد. سردبیر "اومانیت" در خلال سخنرانی مفصل و همه‌جانبه‌ای، به تشریح شرایط جهانی، بحران اقتصادی اروپا، و مبارزه زحمت‌کشان برضد تجاوزگری و جنگ پرداخت. او به

ضرورت مبارزه توده‌ها برای به وجود آوردن تغییر در شرایط سیاسی حاکم بر جهان سخن گفت. او پس از خوش‌آمدگویی به "صلاح حموری"، شهروند فلسطینی-فرانسوی، که به دلیل عضویت در "جبهه خلق برای آزادی فلسطین" از سوی اسرائیل به ۱۴ سال زندان محکوم شده بود و در آذرماه گذشته در جریان مبارزه زندانیان سیاسی فلسطینی و نظامی اسرائیلی‌ای که در اسارت نیروهای فلسطینی بود، آزاد شد، به طور مشخص به خطر حمله نظامی اسرائیل به ایران اشاره کرد. گوشه‌هایی از سخنان "پاتریک لو هیاریک" را در ادامه این گزارش می‌خوانید. پس از پایان سخنرانی سردبیر "اومانیت"، نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره تحول‌های سیاسی ایران و تحلیل‌های حزب مان با ایشان گفت‌وگو کرد، و بر ضرورت گسترش مبارزه بین‌المللی با خطر آغاز جنگی جدید در خاورمیانه تأکید کرد. ساعتی پس از پایان جلسه افتتاحیه، رفیق "پاتریک لو هیاریک" و هیئت همراهش، از غرفه حزب توده ایران بازدید کردند و با رفقای حزبی گفت‌وگو کردند. سردبیر سخنور نشریه "اومانیت"، در بازدید خود از غرفه "نامه مردم" در کنار برخی از پوسترهای به نمایش گذاشته عکس‌های یادگاری گرفت. جشنواره اومانیت امسال با توجه به هوای مساعد و آفتاب گرم و دلپذیر پاریس، جنب و جوشی استثنائی داشت. چند ماه پس از پیروزی حزب در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای ملی در فرانسه، "جشنواره اومانیت" نقش برجسته "حزب کمونیست فرانسه" و ارگان آن را در حکم فراهم آورنده محمل از برای برپایی ائتلاف‌های کارساز در سیاست فرانسه و نقش شتاب‌دهنده آن‌ها به تغییرها در این کشور عمده اتحادیه اروپا، به خوبی تصویر می‌کرد. "جشنواره اومانیت" در حقیقت به تابلوی رنگارنگ، هنرمندانه، و پرتحرکی از زندگی حزب فرانسه در کلیت خود، و نیز همه آنانی که برای دستیابی به زندگی‌ای بهتر مبارزه می‌کنند، تبدیل شده است. زنان و مردان، جوان و سالمند، سیاه و سفید، تا چشم کار می‌کرد در خیابان‌ها، غرفه‌ها، و سالن‌های مختلف دیده می‌شدند که به هنرنمایی، بحث، ارائه خدمات، و لذت بردن از فضای صلح‌آمیز و زیبایی رفاقت، دوستی، هم‌پیمانی، و گام نهادن در مسیر آرمانی یگانه، در حرکت بودند. به گزارش برخی رسانه‌ها، نزدیک به شش‌صدهزار نفر در طول سه روز برگزاری "جشنواره اومانیت"، در آن شرکت کردند.

از ذره هستی بخش "بوزن هیگز" تا مخالفت با موافقتنامه اروپا

یک دانشمند فیزیک نقش "بوزن هیگز" در همبستگی و یگانگی قوانین طبیعت را بررسی می‌کرد. در میدان اجتماعات بزرگ "جشنواره اومانیت"، "بت اسمیث"، خواننده مشهور، غوغا می‌کرد، و در زمانی دیگر، سندیکاهای درگیر مبارزه، یکی پس از دیگری مسئله‌های‌شان را مطرح کردند، و فضائی پرشور به وجود آوردند، و سپس "پاتریک لو هیاریک"، مسئول روزنامه اومانیت و نماینده پارلمان اروپا، سخنرانی مبسوطی ایراد کرد. در جائی "صلاح حموری" که از زندان دولت اسرائیل آزاد شده بود، معرفی می‌شد، و در مکانی دیگر "رادپو فرانسه" به طور زنده با آقای "ژان لوک ملانشن"، نامزد پیشین ریاست جمهوری از طرف "جبهه چپ"، مصاحبه می‌کرد. و همه جا صحبت از راهپیمایی ۳۰ سپتامبر در اعتراض و مخالفت با قرارداد داد اروپائی در پاریس بود.

ادامه در صفحه ۸

حزب توده ایران در جشن های روزنامه های حزب های برادر

"نامه مردم" در جشنواره روزنامه "اومانیت"

رفیق "پاتریک لو هیاریک"، سردبیر اومانیت، در بازدید از غرفه "نامه مردم"، با نمایندگان حزب توده ایران درباره تحول‌های سیاسی ایران و خطر حمله نظامی اسرائیل گفتگو کرد، و خواهان ادامه این گفت‌وگوها شد.

پارک وسیع "کورنو" در منطقه بورژ، در حومه پاریس، امسال هم صحنه یکی از بزرگ‌ترین گردهمایی‌های طرفداران صلح و ترقی، مبارزان چپ، و فعالان اتحادیه‌های کارگری فرانسه بود. هفتادوهفتمین جشنواره "اومانیت"، نشریه وابسته به "حزب کمونیست فرانسه"، در روزهای ۲۴ تا ۲۶ شهریورماه، صحنه‌ی گسترده بود برای بحث‌هایی مهم در ارتباط با: بحران کنونی اقتصاد جهان و آینده سیاست‌های ریاضت‌کشی اقتصادی "اتحادیه اروپا"، تحول‌های مهم سیاسی در "آمریکای لاتین" و "خاورمیانه"، آینده "بهار عربی" در زیر فشار مهمیز امپریالیسم در جهت مهار و به زیر نظارت درآوردن حرکت توده‌هایی که به عزم دستیابی به آزادی، دموکراسی، و عدالت اجتماعی به پا برخاسته‌اند. "دهکده جهانی" در قلب پارک "کورنو"، محل برپایی غرفه‌های گوناگون سازمان‌های سیاسی و روزنامه‌های چپ و مترقی جهان بود. خیابان‌های دهکده جهانی، هرکدام نام یکی از انقلابیون بنام جهان و یا مبارزان جنبش‌های آزادی‌بخش خلق‌ها را بر خود داشتند. غرفه روزنامه "نهان دان"، ارگان مرکزی "حزب کمونیست ویتنام" در خیابان "اتل و ژولیوس روزنبرگ"، غرفه روزنامه "طریق الشعب"، ارگان "حزب کمونیست عراق"، در خیابان "ارنستو چه‌گوارا"، و غرفه "نامه مردم"، ارگان مرکزی حزب توده ایران، در خیابان "مروان برقوتی" [رهبر سرشناس جنبش مردم فلسطین که در اسرائیل در اسارت است] قرار داشت. غرفه مشترک "کار اکثریت"، "اتحاد کار"، و "طرحی نو"، در خیابان "چه‌گوارا" و غرفه "سازمان فدائیان اقلیت" در خیابان "هوشی مین" نیز در دهکده جهانی به کارزار نیروهای سیاسی ایرانی اختصاص داشت. در چندین نقطه در پارک محل فستیوال، گروه‌های هنرمند برنامه‌های هنری‌ای با شرکت برخی از محبوب‌ترین گروه‌های موسیقی و چهره‌های هنری اجرا می‌کردند.

غرفه "نامه مردم" در جشنواره "اومانیت"، که با شعارهای سیاسی مناسب و در ارتباط با جنبش مردم میهن‌مان به زبان‌های فارسی، فرانسه، و انگلیسی تزئین شده بود، امسال شور و حال دیگری داشت. یک بخش دیگر غرفه که مورد استقبال ایرانیان بازدید کننده قرار گرفت به نمایش و ارائه نشریه‌ها و کتاب‌های منتشر شده از سوی حزب توده ایران و همچنین نشریه‌های تحلیلی و توضیحی به زبان‌های فرانسه و انگلیسی اختصاص داشت. فعالیت ده‌ها عضو و هوادار حزب توده ایران، نمایشی تحسین‌آمیز از روحیه مبارزه جویانه و امیدوار رفقای حزبی بود. با توجه به شرایط سیاسی میهن و ضرورت مبارزه متحد در راه آزادی‌ها، حقوق دموکراتیک، و آزادی زندانیان سیاسی و مبارزه حیاتی عصرما یعنی مبارزه برای صلح، پوسترهای تزئین‌کننده غرفه "نامه مردم" تم‌های کارزار در راه صلح، آزادی، و مبارزه با سرکوب‌گری را برجسته می‌کرد و بازتاب می‌داد. ده‌ها عکاس و شرکت کننده جشنواره با بازدید از غرفه "نامه مردم" از پوسترهای زیبا و گویای "نه به حمله نظامی به ایران" که به شیوه جالبی در غرفه به نمایش گذاشته شده بود، عکس و ویدئو می‌گرفتند. در طول سه روز صدها نفر از ایرانیان مقیم فرانسه و کشورهای مجاور آن از غرفه "نامه مردم" بازدید کردند و از سوی رفقای حزبی پذیرایی شدند. چندین هیئت نمایندگی از حزب‌های کمونیست جهان و از جمله از کشورهای افغانستان، تونس، عراق، انگلستان، مراکش، بلژیک، و فرانسه، با بازدید

ادامه حزب توده ایران در برنامه جشن های

تعدادی از غرفه‌های مربوط به نیروهای مترقی چپ، حزب‌ها، انجمن‌ها، و نیروهای مترقی و دمکرات، بحث و گفت‌وگوهای سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی گوناگونی را ترتیب داده بودند که از سوی شرکت کنندگان استقبال می‌شد. بحث اصلی گردانندگان جشنواره پیرامون محور بسیج همه نیروها به منظور انجام تغییرهای اساسی در فرانسه بود. برای اولین بار در تاریخ فستیوال اومانیته، راهپیمایی سندیکاهای درگیر در مبارزه برای حفظ شغل و بهبود زندگی نظرها را متوجه خود کرده بود. سندیکاهای مترقی فرانسوی اعلام کرده‌اند که، مصمم‌اند در به ثمر رساندن تغییرهای سیاسی - اقتصادی فعالانه شرکت کنند و تنها به ایفای نقش میانجی بین کارگران و کارفرمایان بسنده نکنند.

در اکثر گفت‌وگوها نقش اتحادیه اروپا و سیاست‌های نولیبرالی آن، که در تضاد آشکار با سیاست‌های ترقی خواهانه است، بررسی و تحلیل می‌شد. سخنگویان نیروهای چپ و رهبران حزب کمونیست فرانسه، به ویژه تضاد مفاد موافقتنامه مالی اخیر "اتحادیه اروپا" که از سوی خانم مرکل و آقای سارکوزی تنظیم شده بود، را با خواسته‌های زحمتکشان و نیازهای جامعه‌های اروپایی معیار دانسته و آن را هدف انتقاد خود قرار می‌دادند. "جبهه چپ" متشکل از "حزب کمونیست فرانسه" و هفت حزب و تشکیلات مترقی دیگر، پیشنهاد می‌کنند که، این قرارداد اروپایی به فرآیند گذاشته شود، همان گونه که قرار داد قبلی در سال ۲۰۰۵ به فرآیند گذاشته شد و اکثر فرانسویان با آن مخالفت کردند و به آن "نه" گفتند. و اکنون همان قرارداد با کمی دست کاری قرار است از طریق مجلس به تصویب برسد. آقای "فرانسوا اولاند"، در تبلیغات انتخاباتی‌اش قول داده بود که این قرارداد را به بحث بگذارد و دوباره تنظیم کند، ولی اکنون از آن صحبتی نمی‌کند.

در گوشه و کنار جشنواره همه جا سخنرانی و بحث و دعوت برای راهپیمایی ۳۰ سپتامبر به منظور اعتراض به این قرارداد و به فرآیند گذاشتن آن در جریان بود: "۳۰ سپتامبر من در راهپیمایی شرکت می‌کنم".

سخنرانی "پاتریک لو هیاریک"، سردبیر روزنامه "اومانیته"

از شرکت شما در این جشن امیدهای تازه، جشن همگرایی و همیاری، رهائی و آزادی انسان‌ها تشکر می‌کنم. سال گذشته در اینجا با هم آرزو کردیم که صلاح حموری در کنار ما باشد و این هم صلاح حموری که امسال با ماست، نه، نباید دست برداریم. به کمک همه مبارزان پیشرو و دمکرات بهار عرب، با همه مردم اروپا که با اقتصاد ریاضتی نبرد می‌کنند، با جوانان، مزدبگیران، و همه کسانی که از این ساختار اقتصادی به تنگ آمده‌اند و برای به دست آوردن حقوق شان مبارزه می‌کنند، نه، دست بر نمی‌داریم. از مردان و زنانی که در کشورهای عربی برای حقوق‌شان مبارزه می‌کنند واز جان‌شان مایه می‌گذارند پشتیبانی می‌کنیم. این جشن مظهر دوستی و همبستگی بین ملت‌هاست. ولی دوستان عزیز نمی‌توان چشم از اوضاع مصیبت‌باری که در جریان است گرداند. در سوریه کشتار مردم کافی است. ما از نیروهای مترقی که برای پایان درگیری و برپایی نظامی دمکراتیک مبارزه می‌کنند پشتیبانی می‌کنیم. این نابسامانی‌ها به لبنان هم رسیده و جو تنش و ناآرامی به ترکیه، و عراق که در آتش و خون است، نیز کشیده شده است. میان اسرائیل و ایران جنگ تهدید می‌کند. ما نمی‌توانیم این صحنه جنگ را نگاه کنیم و چیزی نگوییم و کاری نکنیم. باید فریاد بزیم، باید افشا کنیم، و به طور مشخص پشتیبانی کنیم و با هم در همه جهان با شکل دادن زنجیره‌ای بزرگ و قوی برای برپایی دنیائی بدون سلاح و بدون جنگ مبارزه کنیم. این خیال پردازی نیست، این نبرد و پیکارماست.

همه ما اینجا می‌خواهیم که "جشنواره اومانیته" شتاب‌دهنده‌ی بی‌از برای تغییر باشد... اکثر فرانسوی‌ها چپ را انتخاب کرده‌اند، و در راه وفاداری به این انتخاب باید به خواسته‌های حق طلبانه آنان پاسخ داد. بله، بدون وقت‌کشی باید تصمیم به رفرم‌های ساختاری پیشرو به منظور تقسیم ثروت گرفت. بله باید مالیات بر سرمایه داران را به همان اندازه مالیات بر کار و کارکنان افزایش داد. باید در مقابل هجوم استثنائی زورمندان، جبهه مردمی‌ای به منظور انجام تغییرهای بنیادی در همه جا

و در زندگی روزمره مردم برپا کرد. قدم‌های اولیه‌ی در مسیری درست از جانب دولت جدید برداشته شده است. ما به آن‌ها کم بها نمی‌دهیم، چون که زندگی را بهبود می‌بخشد و ما در انجام آن به تمامی سهیم بوده ایم... پیروزی امکان پذیر است زمانی که میلیون‌ها رای دهنده که موفقیت چپ را موجب شدند، به تغییرها و پیروزی تغییرها معتقد شوند.

برپایی غرفه "نامه مردم"، ارگان مرکزی "حزب توده ایران" در: جشنواره روزنامه "آوانته"، ارگان کمیته مرکزی "حزب کمونیست پرتغال"



غرفه "نامه مردم"، ارگان مرکزی "حزب توده ایران"، برای پنج‌مین سال متوالی، در فستیوال نشریه "آوانته"، ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتغال، در روزهای ۱۷-۱۹ شهریورماه، به مرکزی برای اطلاع رسانی در رابطه با شرایط پیچیده و بحرانی حاکم بر ایران

و جلب کمونیست‌های پرتغال به حمایت فعال از مبارزه حیاتی مردم ایران برای صلح، دمکراسی، و عدالت اجتماعی، تبدیل شده بود. فستیوال "آوانته"، که در شهر سیشل، در ساحل جنوبی رودخانه "تاگوش"، و درنوار صنعتی حومه جنوب لیسبون برگزار می‌شود، به دلیل عده شرکت کنندگان، برنامه‌های متنوع فرهنگی - سیاسی آن، و فضای پرشور و رادیکال حاکم بر آن، در نوع خود بی‌نظیر است. امسال در طول ۳ روز برگزاری جشنواره، در فاصله بین ساعت ۶ بعد از ظهر جمعه ۱۷ شهریورماه، که دروازه‌های ورودی پارک محل فستیوال گشوده شد، تا شامگاه یکشنبه ۱۹ شهریور ماه (۹ سپتامبر) و پایان جشنواره، بیش از ۳۰۰ هزار نفر در آن شرکت کردند. در گردهمایی اختتامیه جشنواره که در آن رفیق "جرونیو دو سوسا"، دبیرکل حزب کمونیست پرتغال، سخنرانی کرد، نزدیک به ۷۰ هزار نفر حضور داشتند. حضور اعضا و هواداران سازمان جوانان کمونیست پرتغال و جوانان دیگر در جشنواره بسیار گسترده بود. نزدیک به دو سوم شرکت کنندگان زیر سی سال سن داشتند.

به دعوت رهبری حزب کمونیست پرتغال از حزب توده ایران برای حضور در این فستیوال عظیم، و با همکاری همه جانبه حزب برادر در تدارک وسائل و امکان‌ها و کمک‌هایی از داوطلبان کمونیست پرتغالی، غرفه "نامه مردم" در قلب دهکده جهانی برپا شد. آرم برجسته حزب توده ایران و شعار: "حزب توده ایران برای صلح، آزادی، دمکراسی، و عدالت اجتماعی در ایران مبارزه می‌کند"، همراه با گل سرخ، سمبل حزب، و آرم نامه مردم، در مرکز غرفه قرار داشت، و از فاصله دور نظر شرکت کنندگان در جشنواره را به خود جلب می‌کرد. با توجه به تهدید خطر جنگ و حمله نظامی به کشورمان، یکی از مضمون‌های محوری کارزار تبلیغاتی غرفه مسئله ضروری بودن کارزار جهانی برای صلح بود. دیوارهای غرفه با پوسترهایی در ارتباط با مخالفت با حمله نظامی به ایران، کارزار برای حقوق زنان و خواست آزادی زنان مبارز زندانی، مبارزه برای حقوق دمکراتیک در ایران، تزئین شده بود. سه پوستر زیبا با شعار: "حزب توده ایران به جنگ، به تحریم‌های اقتصادی، و به سرکوب و ظلم" "نه" می‌گوید" بر دیوارهای غرفه، به طرز رسا بیان کننده جهت اصلی مبارزه مردم ایران در لحظه کنونی بود که مراجعہ کنندگان به غرفه را مخاطب قرار می‌داد. رفقای گرداننده غرفه با پخش هزاران اعلامیه به زبان پرتغالی درباره مبارزه مردم و زحمتکشان ایران، نقش تاریخی حزب توده ایران در این مبارزه، و ارائه بروشورهایی به زبان انگلیسی دربردارنده تحلیل‌های حزب توده ایران درباره عرصه‌های عمده مبارزه مردم ایران، و افشاکاری در زمینه شرایط بغرنج و ملتهب میهن، در طول مدت سه روز ادامه جشنواره در جنب‌وجوش بودند.

در طول مدت جشنواره عده‌ی از رفقای رهبری حزب کمونیست پرتغال و از جمله رفیق "مانوئلا برناردینو"، عضو هیئت سیاسی و دبیرخانه کمیته مرکزی و مسئول شعبه روابط بین المللی حزب برادر، از غرفه "نامه مردم"، بازدید کردند و در جریان فعالیت‌های آن قرار گرفتند. رفیق برناردینو با تاکید بر اهمیت کارزار بسیج گرانه حزب برضد خطر جنگ و همچنین مبارزه آن برای حقوق



ادامه حزب توده ایران در جشن های ...

دموکراتیک و از جمله برجسته کردن مبارزه برای دستیابی زنان ایران به حقوق شان، غرفه امسال حزب را یکی از اثرگذارترین غرفه ها در جشنواره دهکده جهانی آوانته ارزیابی کرد. رفیق مسئول غرفه حزب مان، در طول مدت جشنواره، با رفقای مسئول حزب کمونیست پرتغال و رفقای نماینده حزب های کمونیست شرکت کننده و از جمله فلسطین، یونان، لبنان، آفریقای جنوبی، فدراسیون روسیه، مراکش، هندوستان، ایرلند، ایتالیا، و شیلی دیدار کرد و آنان را در جریان تحلیل های حزب توده ایران قرار داد. رفیق "جرونیو دو سوسا"، دبیرکل حزب کمونیست پرتغال، سه سخنرانی مهم از جمله در مراسم افتتاحیه و اختتامیه جشنواره ایراد کرد. او همچنین در نشست، در روز ۱۹ شهریور ماه، با نمایندگان بیش از ۴۰ جنبش، سازمان، و حزب سیاسی، آنان را در جریان تحول های سیاسی پرتغال، پیامدهای ادامه دار بحران اقتصادی جهانی برای زحمتکشان این کشور، و سیاست ها و تحلیل های حزب کمونیست پرتغال قرار داد. دبیرکل حزب برادر در سخنرانی های خود تحلیل سیاسی همه جانبه و دقیقی از اوضاع اجتماعی - اقتصادی در پرتغال، در چارچوب وسیع تر بحران اقتصادی در اتحادیه اروپا، و تجاوزگری امپریالیستی، ارائه داد. او با ارزیابی همه جانبه ای از نقش نیروهای چپ و حزب کمونیست پرتغال، بر اهمیت مبارزه برای دموکراسی پیشرفته به مثابه فرآیندی در روند انقلابی ساختمان سوسیالیسم، تاکید کرد. در ملاقات با نمایندگان نیروهای سیاسی حاضر در جشنواره، رفیق دو سوسا گفت: "این مهم است که نمایندگان بین المللی مشاهده گر فستیوال آوانته باشند. این جشنواره بازتاب دهنده مشخصه های عمده حزب کمونیست پرتغال، توان و پایانی ارتباط آن با توده ها، و توانائی آن در درگیر شدن در مبارزه های همه جانبه با "پیمان تهاجمی و تجاوزگرانه" کاپیتالیستی برضد مردم، است. قدرت حزب کمونیست پرتغال گسترش می یابد و دائماً اعضای جدیدی به آن می پیوندند. از ابتدای امسال ۹۰۰ نفر به صف آن پیوسته اند، و امیدواریم تا پیش از پایان این جشنواره، شمار این عده به ۱۰۰۰ نفر افزایش یابد. دولت دست راستی حاکم بر کشور که مصمم به بازسازی و تقویت سرمایه داری است، در تهاجمی ضد مردمی درگیر شده است. این تهاجم اقتصادی و اجتماعی، هماهنگ و مرتبط با تهاجم ایدئولوژیک قدرتمندی صورت می گیرد که می خواهد نشان دهد که همه آن چیزی که دارد اتفاق می افتد اجتناب ناپذیر است و دولت جز اجرای سیاست ها و اقدام هایی که در حال انجام آن ها است، هیچ چاره ای ندارد. مبارزه ما در جهت به وجود آوردن شرایط سیاسی ای به منظور استقرار جایگزینی برای سرمایه داری است. اقدام های وحشیانه ای به ضد مردم پرتغال انجام گرفته است. قطع یارانه ها چند روز پیش اعلام شد (سرفت دستمزد کارگران)، و این اضافه بر تهاجم همه جانبه ای است که به قصد نابود کردن دستاوردهای سال ها مبارزه مردم و انقلاب ۱۹۷۴ انجام می پذیرد. پرتغال به طور فزاینده ای در حال تبدیل شدن به یک کشور با سیستم اقتصادی - اجتماعی ناعادلانه و فقیر است. سیاست ها و اقدام های سرمایه داری در ارتباط با بحران اقتصادی کارا نیستند. در سال گذشته، همه چیز و از جمله بدهی های کشور، وضع بدتری پیدا کرد. آنچه که در پرتغال در حال وقوع است، در چارچوب گسترده تر بحران اتحادیه اروپا تعریف پذیر است. حزب کمونیست پرتغال بر این باور است که، این نه بحرانی در درون اتحادیه اروپا، بلکه بحرانی برخاسته از اتحادیه اروپا است. رسانه ها مردم را با انواع داستان ها درباره اتحادیه اروپا بمباران می کنند. این همه برای پنهان کردن این واقعیت است که، اتحادیه اروپا خواهان حفظ نظام اقتصادی حاکم و بدتر کردن وضعیت کارگران در اتحادیه اروپا است... اما این مردم پرتغال اند که برای تعیین آینده کشور خود حق بی چون و چرا دارند، و باید این قدرت تعیین سرنوشت کشور خود را برای خود حفظ کنند."

رفیق دو سوسا در ادامه سخنرانی خود درباره ابعاد بحران اقتصادی کشورهای سرمایه داری در آمریکای شمالی و در آسیای جنوب شرقی سخن گفت، و اشاره کرد که بحران در حال گسترش به اقتصادهای در حال توسعه است. واکنش امپریالیسم، تهاجمی وحشیانه و همه جانبه است، از جمله از بین بردن همه جنبه های حقوق کار و مزایای اجتماعی، غارت بی شرمانه بخش دولتی و عمومی و دارایی های آن، و جا انداختن ارزش های فاشیستی در جامعه. او تاکید کرد که این امر به حوزه های اقتصادی و اجتماعی محدود نمی شود. جنگ و ترور در حال افزایش است، و خطر حرکت امپریالیسم در مسیر درگیری های گسترده تر، بسیار واقعی است. سال گذشته وضعیت لیبی در مرکز توجه ما بود، که غارت امپریالیستی منابع نفت آن کشور، هدف اصلی بود. یک سال بعد توجه ما باز هم به خاورمیانه بازگشته است. در سوریه، خواسته های برحق مردم به ایزاری برای امپریالیسم تبدیل شده است. مزدوران و تروریست ها که در عمل در استخدام قدرت های امپریالیستی اند، با عملکرد خود شرایط را برای به دست دادن بهانه بیشتر در جهت مداخله امپریالیستی فراهم می کنند."

غرفه "نامه مردم" در جشن بزرگ "ندای مردم" در اتریش

جشن ندای مردم، جشن نشریه حزب کمونیست اتریش، امسال برای ۶۶مین بار در پارک پراتر شهر وین در روز های شنبه و یکشنبه ۱ و ۲ سپتامبر برگزار شد. هر سال ده ها هزار نفر از این برنامه که در هوای آزاد برگزار می شود بازدید می کنند. هواداران حزب در اتریش امسال نیز همانند هر سال با برپایی غرفه نامه مردم ارگان مرکزی حزبمان در این جشن بزرگ شرکت کردند. امسال نیز در این جشن نمایندگانی از جنبش جهانی کمونیستی و احزاب پیشرو شرکت داشتند که از جمله می توان از نمایندگانی از آمریکای لاتین همانند کوبا و کلمبیا، اروپا همانند

حزب چپ آلمان و یا حزب هایی همانند حزب کمونیست عراق و حزب کمونیست کردستان عراق نام برد. دیگر حزب ایرانی شرکت کننده در این جشن حزب دمکرات کردستان بود. در این دو روز تعداد زیادی از هم میهنان ایرانی ساکن اتریش، شهروندان اتریشی و دیگر ملیت ها از غرفه حزب ما بازدید کردند و در خلال بحث ها و گفتگوهای دوستانه با رفقای ما با نظرات حزبمان پیرامون مسائل ایران و جهان آشنا شدند. در این دو روز سد ها (صدها) اعلامیه به زبان فارسی و آلمانی پیرامون شرایط حساس کشورمان، بر علیه جنگ و در جهت آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی و همچنین بمناسبت ۲۴مین سالگرد فاجعه ملی در میان بازدید کنندگان پخش شد. در این جشن چادرهای حزب با شعارهایی در جهت اتحاد نیروهای سیاسی و بویژه در جهت آزادی زندانیان سیاسی به آلمانی و فارسی تزئین شده بودند. میز کتاب حزب همانند همیشه توجه بازدید کنندگان ایرانی و خارجی را به خود جلب می کرد. در جشن امسال ده ها تن از هم میهنان ما دیدگاه ها و گرایش های گوناگون سیاسی با حضور در غرفه حزب ما به بحث و گفتگو پیرامون دگرگونی ها و اوضاع سیاسی در ایران و همچنین مسائل جهانی پرداختند.

از نکات برجسته جشن امسال سخنرانی نماینده حزب دمکرات کردستان در روز دوم جشن در چادر حزب ما بود. این سخنرانی به همراه پرسش و پاسخ پس از آن که به دعوت هواداران حزب از نماینده حزب دمکرات کردستان صورت گرفت در محیطی رفیقانه انجام شد و توانست به آشنایی هر چه بیشتر شرکت کنندگان در این سخنرانی با دیدگاه ها و مواضع حزب دمکرات کردستان کمک رساند. همراه با نماینده حزب دمکرات کردستان یکی از رفقای حزب دمکرات کردستان ایران هم در این جلسه شرکت داشت که به صورت فعال در پرسش و پاسخ و تبیین دیدگاه های خود مشارکت نمود. در پایان این جلسه دوباره برسودمندی و ادامه جلسه های مشاوره و آشنایی با دیدگاه های یکدیگر تاکید شد.

برای برخی از بازدید کنندگان از غرفه حزب پایداری و پیگیری بی وقفه حزب در پس بیش از هفتاد سال سرکوب و پیگرد در پیشبرد امر مبارزه برای صلح، آزادی و عدالت اجتماعی، بویژه برجسته و چشمگیر بود. هم از آن جهت نیز که حزب ما با پرهیز از پرداختن به مسائل حاشیه ای و کم اهمیت و خودداری از طرح موضوعات تفرقه برانگیز هر چه بیشتر در جهت همدلی فزاینده و هدفمند جنبش اعتراضی مردم ایران در برابر دیکتاتوری به شکلی سازنده گام برمی دارد. به گفته این دوستان حزب با تجزیه و تحلیل ژرف کاوانه خود به روشن شدن صحنه عمل سیاسی و اجتماعی کشور و نیروهای سیاسی و اقتصادی در گیر در آن کمک بی جایگزینی می رساند.

غرفه حزب توده ایران امسال نیز در این دو روز به مکان و فضایی صمیمی برای بحث و گفتگوی دوستانه ایرانیان بدل گشته بود

کنفرانس سالانه "کنگره اتحادیه‌های کارگری انگلستان": همبستگی جهانی، با مبارزه زحمتکشان ایران

در کنفرانس سالانه "کنگره اتحادیه‌های کارگری انگلستان"، که در روز های ۱۹ تا ۲۲ شهریورماه (۱۲ تا ۹ سپتامبر)، در شهر ساحلی برایتون، برگزار شد، همبستگی با مبارزه مردم ایران، برجستگی ویژه‌ای داشت. نمایندگان شرکت کننده در کنفرانس عالی‌ترین مجمع سندیکایی انگلستان، از همان نخستین دقیقه‌ها پیام‌های همبستگی با جنبش کارگری و فعالان سندیکایی ایران و همچنین مخالفت با تهدیدهای نظامی برضد ایران را به صورتی چشمگیر دریافت کردند. هواداران "حزب توده ایران"، که با فعالان "کمیته دفاع از حقوق مردم ایران" ("کودیر") و رفقای انگلیسی در این فعالیت مهم و پرثمر شرکت داشتند، با بخش اعلامیه ویژه‌ای که به مناسبت تشکیل کنفرانس سالانه سندیکالیست‌های انگلستان تهیه شده بود، و همچنین ارائه آخرین شماره نشریه "ایران امروز" (ارگان "کودیر"، به زبان انگلیسی)، که بازتاب دهنده نگرانی‌های مردم و زحمتکشان ایران در رابطه با تهدیدهای پیاپی درگرفتن آتش جنگی دیگر، تحریم‌های مداخله‌جویانه اقتصادی، و ادامه سرکوب آزادی‌ها و حقوق دموکراتیک در کشورشان بود، نمایندگان کنفرانس را در جریان تحول‌های سیاسی ایران قرار دادند. حضور رفیق "تام سیلی" - از رهبران برجسته جنبش سندیکایی انگلستان و نماینده پیشین فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری در انگلیس - در مقام عضو هیئت نمایندگی "کودیر" در کنفرانس، به فعالیت‌های امسال کارایی و اثرگذاری بیشتری داده بود. از سوی دیگر، امسال با پیوستن رسمی "اتحادیه کارگران و کارمندان حمل و نقل راه آهن و دریایی" ("آر-ام-تی") و اتحادیه کارمندان بخش دولتی ("یونیسون") به "کودیر"، بحث‌های کنفرانس در ارتباط با مسائل کارگری در ایران شکل سازمان‌دهی شده‌تری داشت، و در گفت‌وگوهای نمایندگان "کودیر" با سندیکاهای مختلف، به عرصه‌های جدید فعالیت‌های همبستگی کارساز با کارگران ایران و سندیکاهای‌شان، توجه گردید.

سندیکالیست‌ها و فعالان "حزب کمونیست بریتانیا" هم که بنا بر سنت همه ساله‌شان با تدارک همه جانبه در کنفرانس حضور داشتند، در نشریه "اتحاد"، ویژه کنگره اتحادیه‌های کارگری که بین همه نمایندگان کنفرانس پخش شد، همبستگی با مبارزات زحمتکشان ایران را مورد توجه قرار دادند. "اتحاد" اشاره می‌کند: "فعالان سندیکایی نمی‌توانند تأثیر تهدید یک جنگ جدید و تحریم‌های اقتصادی بر زندگی کارگران ایرانی را نادیده بگیرند. اقتصاد ایران زیر فشار تحریم‌های تحمیلی در حال فروپاشی است، و با بسته شدن کارخانه‌ها، هزاران نفر از کارگران در معرض اخراج از کارهای خود قرار دارند... رژیم ایران از تهدید مداخله خارجی در حکم بهانه‌ی به منظور راه انداختن موج سرکوب برضد کارگران، استفاده می‌کند... رژیم به اتحادیه‌های کارگری مستقل و واقعی اجازه فعالیت و سازمان دهی تظاهرات و اقدام‌های اعتراضی نمی‌دهد... سندیکالیست‌ها و فعالان کارگری پیوسته در معرض آزار و پیگردانه، و عده‌ی از نویسندگان مترقی و فعالان حقوق بشر نیز در ماه‌های اخیر دستگیر شده‌اند. از مبارزه سندیکالیست‌های ایران حمایت کنید! در روز سوم کنفرانس و در بخشی از برنامه آن در ارتباط با مسائل بین‌المللی و همبستگی‌ها، گزارش کارکرد شورای عمومی "کنگره اتحادیه‌های کارگری"، به مسئله‌های عرصه سندیکایی و مشکل‌های فعالان سندیکایی در ایران، اشاره داشت. در این باره، به پیشنهاد "کودیر"، صدر ملی "اتحادیه کارگران و کارمندان حمل و نقل راه آهن و دریایی" ("آر-ام-تی")، "آلکس گوردون"، در خلال سخنرانی همه‌جانبه‌ای در کنفرانس، توجه عمیق‌تر به تحول‌های سیاسی نگران کننده در ایران، و ابراز همبستگی همه‌جانبه با جنبش کارگری ایران را خواستار شد. متن سخنرانی "آلکس گوردون" را در زیر می‌خوانید:

رئیس، و نمایندگان گرامی کنفرانس،

اتحادیه "آر-ام-تی"، مایل است در ارتباط با فصل ۵-۳ گزارش شورای عمومی به کنفرانس در باره ایران، بر چند نکته تأکید کند. "آر-ام-تی"، عضو "کمیته دفاع از حقوق مردم ایران - کودیر" است و با آن پیوستگی نزدیک دارد. کودیر سازمان عمده همبستگی در انگلستان است که از جنبش برای صلح و آزادی‌های دموکراتیک در ایران حمایت می‌کند و تلاش می‌کند که درک بهتری از تحول‌های ایران را در اتحادیه‌های کارگری انگلستان توسعه دهد. ما از اشاره گزارش شورای عمومی به فعالیت‌های فدراسیون‌های بین‌المللی سندیکایی، کنفرانس جهانی اتحادیه‌های کارگری ("آی-تی-یو-

سی")، و عفو بین‌الملل، در برجسته کردن سرکوب اتحادیه‌های کارگری مستقل در ایران، استقبال می‌کنیم، به خصوص درباره رضا شهبانی، خزانه‌دار سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، که به جرم "تجمع و تبابی علیه امنیت کشور" و "پخش تبلیغات علیه نظام" به شش سال زندان محکوم شده است. رضا شهبانی صرفاً به خاطر فعالیت‌های مسالمت‌آمیز سندیکایی محکوم شده است و یک زندانی عقیدتی است. وضعیت سلامت رضا شهبانی، در پی چندین اعتصاب غذا در اعتراض به شرایط زندگی روزمره در زندان، بسیار وخیم است. در ماه فوریه ۲۰۱۲، رضا شهبانی شکایت کرد که یک طرف بدن‌اش بی‌حس شده است. مسئولان زندان بالاخره در ۳۰ آوریل او را به بیمارستان منتقل کردند. از زمان عمل جراحی‌اش، محل عمل شهبانی عفونت پیدا کرده است و وضعیت او هر روز بدتر می‌شود. دکترها توصیه کرده‌اند که او باید "لااقل دو ماه در منزل استراحت" بکند و گفته‌اند که او "قادر به تحمل هیچ تنبیه دیگری نیست". مقام‌های رژیم او را در روز چهاردهم اوت ۲۰۱۲ به بند ۳۵۰ زندان اوین فرستادند.

مسئولان زندان و سیستم قضائی ایران مسئول مستقیم شرایط بحرانی سلامت آقای شهبانی و وخیم‌تر شدن وضعیت ایشان هستند. این مسئولان برخلاف تمام توصیه‌های دکترها عمل کرده‌اند و پاسخ‌گوی اعمال‌شان خواهند بود.

بنابر گفته‌های وکیل شهبانی، نام ایشان در فهرست زندانیانی بود که قرار بود عفو بشوند؛ ولی آن پروسه بدون توضیح کنار گذاشته شده است. کنگره اتحادیه‌های کارگری باید خواستار آزادی فوری و فراهم آوردن امکان درمان پزشکی مناسب برای رضا شهبانی بشود.

ضمن استقبال از گزارش شورای عمومی در اشاره مختصری که به وضعیت رضا شهبانی و سه سندیکالیست زندانی دیگر کرده است، "اتحادیه کارگران و کارمندان حمل و نقل راه آهن و دریایی" از اینکه گزارش هیچ‌گونه اشاره‌ی به اثر و فشار ناشی از تهدید به جنگی جدید و تحریم‌های اقتصادی بر زندگی کارگران ایران در بر ندارد، ابراز نگرانی می‌کند.

در حال حاضر اقتصاد ایران زیر فشار تحریم‌های اقتصادی تحمیل شده به آن کشور، در حال فروپاشی است. کارخانه‌ها به علت نبود وسایل یدکی بسته می‌شوند و هزاران کارگر را بیکار می‌کنند. پرداخت دست‌مزدها بسیار نامنظم و غیرقابل پیش‌بینی است. دست‌مزدهای عده زیادی از کارگران از ۶ تا ۱۸ ماه به تعویق می‌افتند. بیکاری گسترده است. فقر در حال گسترش است.

کارگران ایرانی برضد شرایط موجود اعتراض می‌کنند، اما به دلیل سرکوب‌گری، و این واقعیت که رژیم از فعالیت اتحادیه‌های کارگری مستقل و واقعی ممانعت می‌کند، کارگران از یکدیگر جدا هستند و اعتراض‌های شان به آسانی به کنترل می‌شود.

رژیم ایران از تهدید تجاوز خارجی همچون بهانه‌ی برای شدت بخشیدن به سرکوب کارگران استفاده می‌کند. سندیکالیست‌ها و مبارزان کارگری مدام در معرض آزار و اذیت قرار دارند. یورش به گردهمایی عمومی سالانه "کمیته هماهنگی برای کمک به تشکیل سازمان‌های کارگری" در روز ۱۵ ژوئن در شهر کرج، و بازداشت و زندانی کردن ۶۰ نفر از کنش‌گران سندیکایی، و ضرب و شتم و بدرفتاری با آنان در حین بازداشت، تنها نمونه‌ی از این آزار و اذیت‌ها است. این ۶۰ نفر بازداشت شده نمایندگان از استان‌های مختلف از جمله کردستان، تهران و گیلان بودند. "کمیته هماهنگ کننده" سازمان کارگری شناخته شده‌ی در ایران است که در سال ۲۰۰۵ با حمایت آشکار و امضای هزاران نفر از کارگران، تشکیل شد. "کمیته هماهنگ کننده" سازمان مخفی نیست و بسیاری از اعضای آن در سطح ملی و بین‌المللی شناخته شده‌اند. برای مثال، مبارز کارگری کارآموده محمود صالحی، که در حین حمله مأموران به این گردهمایی به شیوه‌ای وحشیانه کتک خورده بود، و همچنین به محمد عدی‌پور و جلال حسینی در همین زمینه باید اشاره کرد.

سرکوب‌گری جمهوری اسلامی ایران بخشی از راهبرد (استراتژی) کلی دولت ایران در مهار و ممانعت از مبارزه کارگران برضد فقر فزاینده، بیکاری توده‌ای، تبعیض، سرکوب، و سیاست‌های نولیبرال و مبتنی بر ریاضت‌کشی است. رژیم سعی دارد با استفاده از سخنان جنگ طلبانه اسرائیل، آمریکا، و کشورهای غربی، مشروعیتی

ادامه در همبستگی با طبقه کارگر ...



به‌ظاهر ایجاد شده برای به‌اصطلاح کارگران معدن، که در بین آنان کسانی دیده می‌شوند که سال‌ها از راه قلدری، تهدید، و سوداگری به منظور به دست گرفتن کنترل میکرده‌های بی‌جواز، سیستم جابه‌جایی کارجویان با مینی‌بوس، کومه‌داری (اجاره‌داری کومه‌ها)، و نیز کسب‌وکارهای طب سنتی و نزول خواری بهره‌برده بودند، از شدت‌عمل دولت در برخورد با سلاح‌های غیرقانونی، و مقابله با ارعاب و تحریک به خشونت، حمایت کرد. "حزب کمونیست

آفریقای جنوبی" با رسیدگی قضایی مستقل به واقعه "ماریکانا" موافق است، و مؤکداً خواستار "روشن شدن هرگونه خلاف و تخطی پلیس" است. حزب کمونیست با استفاده از تشکیلات خود در قرارگاه‌های کارگری، در تدارک تهیه مدرک و شاهدهای مناسب برای ارائه به این رسیدگی قضایی است. "نزیمانده" به دگرگونی‌های مترقیانه‌ی اشاره کرد که از سوی دولت، از زمان انتخاب "زوما" به مقام رئیس‌جمهوری، به پیش برده شده‌اند، و از همه‌سندیکاهای خواست که از لحاظ سیاسی فعال باشند. او از کارگران پرسید: "اگر شما یک رهبر کارگری هستید و در تشکیلات کنگره ملی آفریقا یا حزب کمونیست فعال نیستید، پس خط سیاسی خود را از کجا می‌گیرید؟" او خطاب به نمایندگان شرکت کننده گفت: "شما تماشاگران انقلاب ما نیستید"، و از آنان خواست تا "برای پیشبرد انقلاب دموکراتیک ملی مسئولیت بپذیرند."

ادامه اعلامیه کمیته مرکزی ...

با آنها مقابله کرد. از انتشار نامه "ا.ک." که امروز روشن است از سوی دستگاه‌های امنیتی رژیم تنظیم و با هدف "انفجار حزب از درون" به وسیله عامل‌های آگاه و نا آگاه این توطئه در خارج از کشور انتشار یافت و همچنین انتشار کتاب‌ها و جزوه‌های تنظیم شده بر اساس بازجویی‌های قربانیان شکنجه، و انواع "خاطرات نویسی‌ها" تا به امروز حزب توده ایران توانسته است با اتکا به هوشیاری و پایداری رفقای توده‌ای حمله‌های مهلک و جدی دستگاه‌های امنیتی رژیم را پشت سر بگذارد. در حالی که حزب خود را برای برگزاری ششمین کنگره و اتخاذ تصمیم‌های مهم سیاسی-تشکیلاتی آماده می‌کند باید انتظار داشت که این حمله‌ها با هدف مختل کردن فعالیت‌های حزب ما تشدید گردد.

رفقا!

حیات هفتاد و یک ساله حزب توده ایران بیش از هر چیز مدیون پیکار خستگی‌ناپذیر و قهرمانانه شماست. شما در هفتاد و یک سال گذشته در سهمگین‌ترین آزمون‌ها، وفادار به آرمان‌های والا و انسانی حزب طبقه کارگر ایران پرچم حزب توده‌ها را در اهتزاز نگاه داشتید و این راز روئین تنی حزب ماست، که بر رغم همه تلاش‌های غدارانه ارتجاع همچنان استوار و نیرومند در عرصه مبارزات سیاسی کشور حضور دارد. در آستانه هفتاد و یکمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران با کاروان انبوه جان‌باختگان قهرمان حزب و همه جان‌باختگان راه آزادی تجدید عهد می‌کنیم و بار دیگر اعتقاد عمیق و خلل‌ناپذیر خود را به رسالت تاریخی حزب توده‌های کار و زحمت، برای رهایی ایران از چنگال استبداد و استقرار آزادی، استقلال واقعی و عدالت اجتماعی، اعلام می‌کنیم.

درد آتشین به خاطره تابناک همه جان‌باختگان راه آزادی!

درد به زندانیان سیاسی قهرمان و همه خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی! پیروز باد مبارزه مشترک همه نیروهای آزادی‌خواه برای طرد رژیم ولایت فقیه!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۳ مهر ماه ۱۳۹۱

بینشی باشد که در "منشور آزادی" به روشنی بیان شده است ("منشور آزادی" بیانیه اصول کلیدی مبارزه نیروهای آزادی‌خواه و مترقی در دوره آپارتاید است، که در سال ۱۹۵۵ به تصویب رسید). رئیس "کوساتو" اشاره کرد که، مردم، ائتلاف به رهبری کنگره ملی آفریقا را برای حکومت انتخاب کرده‌اند و نه "خزانه‌داری کشور" را. او تأکید کرد: "بوروکرات‌ها نمی‌توانند آزادی ما را به تأخیر بیندازند." سیدومو دلامینی "در خطاب به هیئت‌های نمایندگی‌ای که به منظور تدارک برگزاری کنفرانس کنگره ملی آفریقا در "مانگوانگ" به سر می‌برند، از سخنان رئیس فقید کنگره ملی آفریقا، "اولیور تامبو" که در مراسم پایانی کنفرانس به سال ۱۹۶۹ ایراد شده بود، نقل قول کرد که گفته بود: "پیکاری خستگی‌ناپذیر را به ضد اخلاک‌گراان به پیش برید، و در برابر تحریک‌کنندگان و عامل‌های دشمن از کنگره ملی آفریقا دفاع کنید. از انقلاب در برابر تبلیغات دشمن، به هر شکلی که درآید، دفاع کنید. هوشیار باشید، رفقا."

رفیق "بلید نزیمانده"، صدر "حزب کمونیست آفریقای جنوبی"، در خطاب به کنگره "کوساتو" هشدار داد: "سرمایه‌داری جهانی در هرجا و همه‌جا در پی شکست دادن طبقه کارگر سازمان‌یافته است، [یعنی طبقه‌ی] که مانعی پر قدرت در برابر راهبردهای ضد مردمی آن است." او به "ائتلاف دموکراتیک" یا "DA" (پوزیسیون اصلی دولت کنگره ملی و عضو "بین‌الملل لیبرال" (اشاره کرد که، با هدایت راه‌پیمایی‌ای از سوی "ارتشی از واژگان و ارادل و ابواب شهرک‌های کوچک و جوانان مستأصل و سردرگم حاشیه شهرها" در مقابل دفتر مرکزی "کوساتو"، سعی در پیشی گرفتن از سیاست‌های ماجراجویانه و افراطی "زولیوس مالیبا" (رئیس پیشین سازمان جوانان کنگره ملی آفریقا) داشت. او "ائتلاف دموکراتیک" را به خاطر "این لاس زنی طبقه متوسط با آنارشی" سرزنش کرد، و این سیاست را نتیجه بحران عمومی سرمایه‌داری دانست. رفیق "نزیمانده" اشاره کرد که، برخلاف جاهای دیگر دنیا که قشرهای میانی در اعتراض به نولیبرالیسم به کارگران می‌پیوندند، "طبقه متوسط ما، و به ویژه بخش‌های سفیدپوست آن، زهر خود را به دولت کنگره ملی آفریقا می‌ریزد، و از جمله گرایش‌ها و موضع‌گیری‌های نژادپرستانه‌ی که دوباره سر بلند کرده‌اند، به‌ویژه در اینترنت، آن‌چنان نژادپرستی‌ای را شاهدیم که مدت‌های مدیدی بود در آفریقای جنوبی نمی‌دیدیم." این موضع‌گیری تا حدی نتیجه استیصال آنان است، چرا که "دولت کنونی" کنگره ملی آفریقا، اگر چه نه به طور یک‌دست، خود را به ائتلاف [سه‌گانه] کنگره ملی آفریقا- حزب کمونیست آفریقای جنوبی- کوساتو، متعهد می‌داند، و "نولیبرالیسم، خصوصی‌سازی، کمونیسم‌ستیزی، و موضع‌گیری‌های ضد کارگری" را طرد کرده است. رهبر "حزب کمونیست آفریقای جنوبی"، خطاب به جنبش کارگری گفت که، از واقعه ناگوار "ماریکانا" درس‌های لازم را بگیرند، و تلاش‌های مداوم صاحبان معدن‌های پلاتین به قصد در هم کوبیدن اتحادیه سراسری معدن کاران [NUM] و مسلط کردن جو ترور و وحشت بر منطقه "روستبرگ" را از یاد نبرند، [یعنی] جایی که "دارودسته‌های خودسر و تبه‌کار که با شبه‌اتحادیه‌ها زدوبند دارند، ۳۴ نماینده اتحادیه سراسری معدن کاران [NUM] را کشتند."

رفیق "نزیمانده" از خود و دیگر رهبران سیاسی انتقاد کرد که، برای بهبود شرایط و سطح زندگی معدن کاران و خانواده‌های آنان در زمان شکوفایی اقتصادی، به اندازه کافی کار نکرده‌اند، و افزود: "ما در انجام وظیفه خود در برابر این کارگران و خانواده‌های آنان کوتاهی کردیم. ما نتوانستیم ضرورت درک مسئولیت اجتماعی مؤثر را از درون شرکت‌های معدنی بیرون بکشیم. ما بیش از حد توجه مان را به استفاده از "قانون منابع معدنی و نفتی" به منظور سرمایه‌گذاری و خرید سهام در چارچوب برنامه "توانمندسازی اقتصاد سیاه‌پوستان" معطوف کرده بودیم.

رفیق "نزیمانده"، پس از محکوم کردن و حمله به شکل‌گیری "شبکه‌های لنین و باج‌گیر" در آسایشگاه‌ها یا قرارگاه‌های غیررسمی



کار سازمان یافته برخوردار خواهد بود. "سیدومو دلامینی"، رئیس "کوساتو"، از نمایندگان به خاطر اعتمادی که نسبت به رهبری نشان دادند تشکر کرد، و متعهد شد که به چنددستگی و نبود انسجام در سیاست‌های شعبه‌ها و ۲۱ عضو وابسته به سندیکا، پایان داده شود. او در سخنانش گفت: "پیام شما به ما این بود که لازمه یک "کوساتو" قوی، وجود یک مرکز هماهنگ کننده قوی است که صلاحیت و توان هدایت مبارزه ما را داشته باشد. ما اعضای وابسته‌ی می خواهیم که به تصمیم‌های خود در چارچوب فدراسیون احترام بگذارند و آن‌ها را اجرا کنند. در این صورت، هیچ اتحادی بالاتر از "کوساتو" نخواهد بود، و هیچ فردی بالاتر از "کوساتو" نخواهد بود."

آنچه در طول مدت برگزاری کنگره "کوساتو" باعث دلمشغولی ۳۰۰۰ نفر نماینده کنگره بود موضوع کشتار معدن پلاتین "ماریکانا"، و مشاجره‌های جدیدی بود، که پس از اعطای ۱۲ تا ۲۲ درصد افزایش دستمزد از سوی کارگران معدن‌های "لونمین"، با میانجی‌گری رهبران کلیسا، در معدن‌های دیگر گسترش پیدا کرده است. این افزایش دستمزد در پی ناآرامی‌های اخیر کارگری بر سر نقش و وظیفه اتحادیه سراسری معدن کاران (NUM) به دست آمد. در خلال آن ناآرامی‌ها، چندین نماینده این اتحادیه [سراسری معدن کاران] نیز کشته شدند. "سیدومو دلامینی" از "همه آن کارگرانی که از سر خشم، "کوساتو" را ترک کردند تا به اتحادیه‌های دیگر بپیوندند" خواست تا به این اتحادیه [سراسری معدن کاران] بازگردند، و مسئله و مشکل‌هایی که دارند، با دخترها و نمایندگان "کوساتو" در میان بگذارند. او اعلام کرد که، سه سال آینده، تا زمان برگزاری کنگره بعدی "کوساتو"، را شاهد اتحاد در عمل خواهیم بود، و خیابان‌های آفریقای جنوبی از افرادی با تی‌شرت‌های قرمز "حزب کمونیست" و "کوساتو"، و تی‌شرت‌های سیاه - سبز - زرد "کنگره ملی آفریقا" مملو خواهند بود، که دوشادوش سازمان‌های مدنی، دانش‌آموزان، و دانشجویان، سازمان‌های زنان و دانشجویان "کنگره ملی آفریقا"، کارگران غیررسمی، رهبران کلیسا، و جامعه مدنی ترقی‌خواه، گام بر خواهند داشت.

او در بخش دیگری از سخنانش گفت: "شعار مبارزه یکی است: ما خواستار رهایی کامل هستیم. ما می‌خواهیم در آفریقای جنوبی آن طور که در "منشور آزادی" توصیف شده است زندگی کنیم و نه فقط در چارچوب "طرح توسعه ملی"، مگر آنکه آن "طرح" بر اساس همان

کارگران از انقلاب دموکراتیک ملی در آفریقای جنوبی، دفاع می‌کنند! آسب به یکی، آسب به همه است!

هفته پیش، در روزهای ۲۷ تا ۳۰ شهریورماه، یازدهمین کنگره سراسری فدراسیون سندیکایی "کوساتو"، در ژوهانسبورگ، آفریقای جنوبی، برگزار شد. "کوساتو" در سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) و پیش از سرنگونی رژیم آپارتاید پایه‌گذاری شد، و در حال حاضر بیش از ۲۰ اتحادیه صنفی و سندیکای کارگری عضو آن هستند. کنگره "کوساتو" در زمانی برگزار شد که روی دادهای حساس و مهمی در آفریقای جنوبی جریان دارد. این کنگره کارگری، صحنه بحث و گفت‌وگو درباره یافتن مؤثرترین مسیر ترقی و توسعه مردمی برای طبقه کارگر و کشور بود. کنگره، درباره گزارش‌های رسیده در مورد نقشه‌های اهریمنی صاحبان معدن و شرکت‌های چندملیتی در جهت ضعیف کردن دولت "کنگره ملی" و سیاست‌های آن در مخالفت با طرح‌های نولیبرالیستی برای کشور، به بررسی پرداخت. رهبران "کوساتو"، که نهادی کارگری با گرایش‌های قوی ترقی‌خواهانه و کمونیستی است، نقشه‌های موزیانه و شیطانی کارفرمایان و شرکت‌های معدن‌کاری را به هدف به وجود آوردن تفرقه بین جنبش متحد سندیکایی و به سستی کشاندن اتحاد دموکراتیکی که آفریقای جنوبی را در مسیر رشد مردمی، برابری بیشتر، و توزیع عادلانه ثروت به پیش می‌برد، افشا کردند.

فعالان سندیکایی آفریقای جنوبی، در هفته گذشته، خط مشی پیکارهای پیش رو را ترسیم کردند، و بر ضرورت اتحاد در مبارزه برای بهبود شرایط اقتصادی-اجتماعی کارگران و به وجود آوردن کشوری رشدیابنده و پر قدرت که در آن دولت دخالت قاطع و تعیین کننده در بخش‌های راهبردی اقتصاد دارد، تأکید کردند. "شاران بارو"، دبیرکل کنفدراسیون سندیکایی جهانی، "جورج ماوریکوس"، دبیرکل فدراسیون جهانی سندیکاها، "جاکوب زوما"، رئیس جمهوری، "ابراهیم پاتل"، وزیر توسعه اقتصادی آفریقای جنوبی، و "بلید نزمبانه"، دبیرکل "حزب کمونیست آفریقای جنوبی"، به کنگره پیام دادند. یازدهمین کنگره فدراسیون سندیکایی "کوساتو"، با انتخاب دوباره رهبران قبلی و به اتفاق آراء، و جلوگیری از تفرقه بر سر مسئله گزینش رهبری "کنگره ملی آفریقا"، منتقدان رسانه‌های اش را به کل ناامید کرد! تصمیم ۳۰۰۰ نماینده شرکت کننده در کنگره "کوساتو" این بود که، بررسی این مسئله، به نشست ماه آینده کمیته اجرایی مرکزی موکول شود. اما از رفتار و کردارهای منتقدان بنام و پیشین پرزیدنت "جاکوب زوما" - یعنی کسانی چون "ایرون جیم"، دبیرکل سندیکای فلز کاران (NUMSA)، و "توبیل نتولا"، رئیس اتحادیه معلمان (SADTU) - چنین برمی‌آید که، "زوما" به احتمال بسیار زیاد از حمایت نیروی

ادامه در صفحه ۱۱

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

۱. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany آدرس‌های پستی:
 ۲. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
<http://www.tudehpartyiran.org> آدرس‌های اینترنت و "ای-میل"
 E-Mail: dabirxhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 904
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

24 September 2012

شماره فاکس و تلفن
 پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰
 ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام حساب: Iran e.V.
 بانک: Berliner Sparkasse
 کد بانک: 100 500 00
 شماره حساب: 790020580
 IBAN: DE35 1005 0000
 0790 0205 80
 BIC: BELADEBEXX